

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی جوانان ایران

شماره ۱۶۳ - ۱۶۲ پیاپی ۵۰۹ / سال ۱۳۹۸ / قیمت ۲۰,۰۰۰ تومان

شاهد جوانان

پرونده ای برای ازدواج

● شور و شیرین کامل شدن دینمان

گفت و گو با عبدالمجید شیخی

● توجه به رونق تولید پرتاب یک تیر به صد هدف است

گفت و گو با مادر شهید محمد هادی ذوالفقاری

● وصیتنامه محمد هادی دختران زیادی را با حجاب کرد

گفتگو با نویسنده عاشقانه ترین کتاب شهدای مدافع حرم

● شهدای مدافع حرم نگاه جدیدی را به جامعه تزریق کردند

سال رونق تولید
کرمان
۱۳۹۸

دل بزرگ می خواهد بعضی از چیزها ...

• سارا مسعودی

پرسیدم مصاحبه می کنی؟
نه
چرا؟

جواب داد ای کاش خوب نبود ، آن قدر خوب است که وقتی در موردش صحبت می کنم حالم بد می شود . تا همین چند وقت پیش ها بیمارستان بستری بودم . همسر مدافع حرم بود ، نگاهش که می کردی سنی نداشت ، درست مثل تمام خانم هایی که آمده بودند یادواره ی شهدای مدافع حرم . با یکی از خانم ها دوست شدم ، برایم از همسرش گفت . از اینکه در خان طومان شهید شده است اما خانواده ی شهید چون پیکر نیامده ، هنوز باورشان نشده است که شهید شده ، نه اجازه می دهند مراسم کسی بگیرد ، نه اجازه می دهند به مراسم برود . دستش تسبیح زرد رنگ بود و عقیق زردی که می گفت از همسرش مانده . ذوق کردم ، گفتم اجازه می دهی تسبیحت را بگیرم و یک دعایی کنم؟ مهربانانه باقی مانده ی طعم شیرین زندگیش را داد در دستم . برای منی که جنگ را ندیده ام و نفهمیدم بمباران تهران چه معنایی دارد ! یا آواره بودن فرنگیس ها در مرز قصر شیرین یعنی چه ، یا پدر کجاست؟ همسر کجاست؟ مدافع حرم معنی دارد . آن وقت معنی بابی انت و امی زیارت عاشورا را می فهمم . آن وقت می فهمم علمدار در علقمه چه کرد . و می فهمم برای خدا رفتن چه طعمی دارد؟ و چقدر بزرگ هستند زن هایی که پشت سر همسرشان آیه الکرسی خواندند و با خدا معامله کردند . گوارای وجودشان باد سر بلندی از امتحان دنیا .



جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۶۳ و ۱۶۲

قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیرمسئول: دکتر رحیم نریمانی
شورای سردبیری: میلاد ربیع زاده
یوسف قدیانی
دبیر تحریریه: سارا مسعودی
مدیر اجرایی: ساسان خاشع

گرافیکست و صفحه آرا
مجید ثمربخش

همکاران این شماره
افشین حیدری، عاطفه جعفری، زهرا
آقابابایی، نسیم اسد پور

امور فنی: آتلیه نشر شاهد
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۲۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی - خیابان
ملک الشعراي بهار شمالي - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴
چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی
کوثر
* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال
منتشر می شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب
رسیده آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

۴/ کارهای محمد هادی برای خدا و دل خودش بود

۶/ عاشقانه ترین کتاب شهدای مدافع حرم

۸/ خانه ایرانی، جهیزیه ایرانی

۱۲/ درمختر آقای جاودان

۱۳/ عروسی های نا تمام

۱۴/ بروید باهم بسازید

۱۵/ به همین سادگی

۱۶/ قفسه کتاب ازدواج

۱۹/ حاشیه های سینما

۲۲/ همه چیز پول نیست!

۲۴/ گزارش فرهنگی

۲۶/ اکران های ماه مبارک رمضان

۲۸/ شعر خوب مانند شیشه عطری در بازمانده است

۳۲/ شعر

۳۴/ توجه به رونق تولید پرتاب یک تیر به صد هدف است

۳۶/ اگر با خیال راحت شام می خوردی کافر بودی

۳۷/ شعار سال تنها اقتصادی نیست

۳۸/ رحمت خدا بر محکم کارها

۴۰/ میدان ورزش عرصه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

۴۲/ دفاع مقدس عرصه قهرمانی شهدای ورزشکار

۴۴/ داغ ترین های تکنولوژی

۴۶/ معرفی بازی های ژانر دفاع مقدس

۴۸/ گزارش اجتماعی

ایثار و شهادت

سبک زندگی

فرهنگی

اقتصادی

ورزشی

تکنولوژی

گزارش

کارهای محمد هادی برای خدا و دل خودش بود

گفت و گو :

با مادر شهید محمد هادی ذولفقاری

○ امین صافی زاده

کارهای محمد هادی برای خدا و دل خودش بود/ وصیتنامه محمد هادی دختران زیادی را با حجاب کرد
بهمن سال شصت و هفت به دنیا آمده است، یعنی حساب که بکنی اگر زنده بود سی و یک سالش می‌شد، به شوق همسایگی در جوار امام علی علیه السلام برای درس طلبگی به نجف رفت و در سامرا در دیار امامان جوان ما به درجه شهادت نائل شد. آن چه می‌خوانید گفت و گویی با مادر و خواهر «شهید محمد ذوالفقاری» است.

* از حال و هوای دوران جوانی محمد هادی ذوالفقاری برای ما بگویید.

مادر شهید: محمد هادی فرد امینی بود، وقت‌هایش را در مسجد و هیئت و پایگاه بسیج می‌گذارند. یک هیئت بسیار داشتند که می‌رفت مداحی می‌کرد. آن قدر وقتش در این مکان‌ها پر بود که فامیل وقتی می‌آمدند منزل و می‌پرسیدند محمد هادی کجاست؟ می‌فهمیدند هیئت است

یا مسجد. بعد از شهادت محمد هادی برخی آمدند و به ما گفتند که هادی به ما کمک می‌کرده و به ما سر می‌زد. این‌ها را نمی‌دانستیم بعد شهادت فهمیدیم. چیزهای دیگری هم بود که بعدها فهمیدیم. خواهر شهید: هادی خیلی خلوص نیت داشت. این طور نبود که کارها را برای به چشم آمدن در نظر دیگران بکند. همه کارها برای خدا و دل خودش بود.

* چه شد که یک دفعه تصمیم گرفت برای درس طلبگی راهی عراق شود؟

مادر شهید: دوست داشت درس طلبگی بخواند، من هم دوست داشتم و تشویق می‌کردم. این که به عراق رفت از سر علاقه‌ای بود که به امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام داشت. می‌گفت از بوی خاک نجف لذت می‌برم، هر چه آن جا بمانم از گناهانم تسویه می‌شود. هر پنج‌شنبه و جمعه کربلا می‌رفت. گاهی به ما زنگ می‌زد که به بین الحرمین آمده‌ام. خواهر شهید: خیلی عاشق شهادت و امام حسین (ع) بود. اصلاً عجیب غریب اهل بیت را دوست داشت تهران که می‌آمد از

سر دلتنگی دوست داشت زودتر به نجف برگردد. مادر شهید: برای قبرش گفته بود که روی سنگ لحدم یا زهرا بنویسید. اعتقاد داشت که باید انتقام سیلی حضرت زهرا (س) را گرفت.

* شهید خاصی را هم دوست داشت؟

مادر شهید: ابراهیم هادی شهید مورد علاقه او بود. عکس ابراهیم همه جا با او بود.

* محمد هادی در زمینه مسائل فرهنگی فعال بود؟

مادر شهید: بله محمد هادی در زمینه فرهنگی دغدغه داشت. عکس شهدا را در سر کوجه‌ها وصل می‌کرد. اگر تصویر خیابانی از شهیدی آسیب دیده بود آن را رنگ می‌کرد. مثلاً ترقه‌هایی که در چهارشنبه سوری بچه‌ها روی دیوار می‌زدند یک نمونه‌اش بود. در نجف قبل از شهادت در اداره حشد الشعبی کار فرهنگی می‌کرد. بعد از شهادت فهمیدیم حشد الشعبی ۱۰۰ میلیون به





هادی داده بود که بیاید ایران وسایل فرهنگی بخرد. او برای اینکه ارزان تر بشود به یزد رفته بود. می گفت پول بیت المال است و من مسئول آن هستم

* پس در نجف علاوه بر درس کارهای دیگری انجام می داد؟

مادر شهید: علاوه بر این که در حشد الشعبی بود، برای توزیع محصولات فرهنگی به شهرهای دیگر از جمله بصره می رفت. در نجف لوله کشی آب و برق برای خانواده های محروم انجام می داد. برنامه اش گویا این طور بود که صبح تا ظهر در حوزه علمیه درس بخواند، عصر صلواتی در نجف لوله کشی آب و برق بکند و غروب هم می رفت حشد الشعبی تا ساعت دو شب، نماز در حرم بود و بعدش به وادی السلام می رفت.

* در وادی السلام چه می کرد؟

مادر شهید: بعد از شهادتش فهمیدیم، قبری روبروی آیت الله قاضی خریده است. بعد از نماز صبح به وادی السلام می رفت و سر قبرش قرآن و زیارت عاشورا می خواند تا برای آخرتش ذخیره کند.

* نگاهش به مسائل سیاسی چه بود؟

مادر شهید: چشم و نگاهش به مقام معظم رهبری در این زمینه بود. آقا را دوست داشت در نجف سر این که مغازه داری به مقام معظم رهبری توهین می کرد، دعوا کرده بود.

* خبر شهادت را چطور شنیدید؟

مادر شهید: کلاس قرآن بودم که زنگ زدن و گفتن از هادی چه خبر؟ پرسیدم چرا مگر چیزی شده؟ چیزی نگفتند. بعد که به خانه برگشتم، آمدند دم در و به من گفتند که زخمی شده است. اما به همسایه ها گفته بودند که شهید شده است. وقتی دیدم همسایه ها گریه می کنند، شک کردم. به خانه پسرم که مرا بردند، گفتند شهادتش مبارک.

* دلتان برای محمد هادی تنگ نمی شود؟

مادر شهید: دلم آن قدری تنگ می شود که

با داروی اعصاب خودم را آرام می کنم، دلم می خواهد به نجف بروم و سنگ قبرش را بغل کنم.

* آیا محمد هادی بعد از شهادتش هم تأثیر گذار بود؟

مادر شهید: خیلی ها آمدند، گفتند ما بی حجاب بودیم و با حجاب شدیم. یک گروه آمده بودند، می گفتند ما کتابش را خواندیم، وصیت نامه اش را دیدیم و چادری شدیم. پربش از انگلستان مهمانانی داشتیم، با جعبه شکلات و هدیه آمده بودند. می گفتند ما در انگلستان تبلیغ محمد هادی را می کنیم و برخی به واسطه توسل به شهید شما حاجت گرفته اند.

* و اگر حرفی مانده است؟

خواهر شهید: آخرین باری که از نجف آمد، یک کتاب با خودش آورده بود. اسمش معراج السعاده بود. می گفت در نجف هر روز آن را می خوانم و به آن عمل می کنم. شما هم آن را بخوانید.

درست در روز ۱۹ بهمن ۱۳۹۳، یعنی یک هفته قبل از شهادت، وصیت نامه کاملی نوشت که توصیه های بسیار خوبی در آن داشت. بخش هایی از وصیت محمد هادی ذوالفقاری را می خوانیم:

پشت سر ولایت فقیه باشید حجاب ها بوی حضرت زهرا (س) نمی دهد؛ آن را زهرایی کنید.

وصیتیم به مردم ایران و در بعضی از قسمت ها برای مردم عراق این است که من الان حدود سه سال است که خارج از کشور زندگی می کنم، مشکلات خارج کشور بیشتر از داخل کشور است؛ قدر کشورمان

را بدانند و پشت سر ولی فقیه باشند و با بصیرت باشند، چون همین ولی فقیه است که باعث شده ایران از مشکلات بیرون بیاید و از خواهران می خواهم که حجابشان را مثل حجاب حضرت زهرا رعایت نکنند نه مثل حجاب های روز چون این حجاب ها بوی حضرت زهرا (س) را نمی دهد.

امام زمان را تنها نگذارید. از برادرانم می خواهم که غیر حرف آقا حرف کس دیگری را گوش ندهند، جهان در حال تحول است. دنیا دیگر طبیعی نیست، الان دو جهاد در پیش داریم اول جهاد نفس که واجب تر است؛ زیرا همه چیز لحظه آخر معلوم می شود که اهل جهنم هستیم یا بهشت، حتی در جهاد با دشمن ها احتمال می رود که طرف کشته شود ولی شهید به حساب نیاید چون برای هوا نفس رفته جبهه و اگر برای هوای نفس رفته باشید، یعنی برای شیطان رفتید و در این حال چه فرقی است بین ما و دشمن؟ امام زمان را تنها نگذارید.

آن ها اهل شیطان هستند و ما هم شیطانانی. دین خودتان را حفظ کنید چون اگر امام زمان بیاید احتمال دارد رو به روی امام باشیم و با امام مخالفت کنیم. امام زمان را تنها نگذارید من که عمرم رفت و وقت از دست دادم تا به خودم آمدم دیدم که خیلی گناه کردم و پل های پشت سرم را شکانده ام و راه برگشت ندارم. بچه های ایران و عراق من دیر فهمیدم و خیلی گناه و کارهای بیهوده انجام داده ام و یکی از دلایلی که آمدم نجف به خاطر همین بود که پیشرفت کنم. نجف شهری است که مثل تصفیه کن است، که گناه ها را به سرعت از آدم می گیرد و جای گناهان ثواب می دهد این مولای ما خیلی مهربان است.

شهدای مدافع حرم نگاه جدیدی را به جامعه تزریق کردند

عاشقانه‌ترین کتاب شهدای مدافع حرم

گفتگو با نویسنده عاشقانه‌ترین کتاب شهدای مدافع حرم

○ عاطفه جعفری

سرسفره که نشست: آخرین صبحونه رو با من نمی‌خوری؟!؛ با بغض گفتم: «چرا این‌طور می‌گی؟ مگه اولین باره میری مأموریت؟!؛ گفت: «کاش می‌شد صداتو ضبط می‌کردم با خودم می‌بردم که دلم کم‌تر تنگ بشه». گفتم: «قرار گذاشتیم هر کجا که تونستی زنگ بزنی، من هر روز منتظر تماس می‌مونم، منو بی‌خبر نذار».

با هر جان‌کدنی که بود برایش قرآن گرفتم تا راهیش کنم، لحظه آخر به حمید گفتم: «حمید تو رو به همون حضرت زینب (س) هر کجا تونستی تماس بگیر». گفت: «جور باشه حتما بهت زنگ می‌زنم، فقط یه چیزی، از سوریه که تماس گرفتم چطوری بگم دوستت دارم؟ اونجا بقیه هم کنارم هستن، اگه صدای منو بشنون از خجالت آب میشم»؛ به حمید گفتم: «بشت گوشی به جای دوستت دارم بگو یادت باشه! من منظورت رو می‌فهمم».

از پیشنهاد خوش آمدن آمده بود، پله‌ها را که پایین می‌رفت برایم دست تکان می‌داد و با همان صدای دلنشینش چند باری بلند بلند گفت: «یادت باشه! یادت باشه!» لبخندی زدم و گفتم: «یادم هست! یادم هست».

این‌ها بخش‌هایی از کتابی است که عاشقانه‌ترین کتاب شهدای مدافع حرم لقب گرفته است. کتاب «یادت باشد»، داستان زندگی «شهید حمید سیاهکالی مرادی»، دومین شهید مدافع حرم استان قزوین است؛ که در کمتر از ده روز به چاپ هجدهم رسید. شهید سیاهکالی مرادی، در پاییز سال ۱۳۸۹ به کربلا رفت، در پاییز سال ۱۳۹۱ عقد کرد، در پاییز سال ۱۳۹۲ ازدواج کرد و در نهایت در پاییز سال ۱۳۹۴ به شهادت رسید.

این کتاب به روایت همسر شهید نوشته شده است و طراحی جذاب جلد آن، گویای همین غربت همسرانه از جنس پاییز است که کتاب «یادت باشد» را بیش از هر چیزی به کتابی سراسر عشق و محبت و دلدادگی بدل کرده است. این کتاب به قلم «رسول ملاحسنی» روایت شده و انتشارات شهید کاظمی آن

را منتشر کرده است. به بهانه این کتاب به سراغ ملاحسنی رفتیم و گفتگویی با او داشتیم تا برایمان از حال و احوال نوشتن این کتاب بگویید.

روزی که کار کتاب را شروع کردیم، به طبع اصلاً نگاه‌مان این نبود که کتابی را بنویسیم

*** مطمئناً اولین سؤالی که باید بپرسم به این مسئله برمی‌گردد که شما فکر می‌کردید که انقدر کتاب پرتیراژ شود و برایش صف امضا تشکیل شود؟ این سؤال را از این باب می‌پرسم که ما در مورد شهدا کتاب‌های زیادی داشتیم و داریم و این حجم از استقبال کمی عجیب است.**

که این مدل دیده شود، نگاه این بود که سبک و روش این شهید را ثبت و ضبط کنیم. ولی خب تمام سعی‌مان این بود که به لحاظ ساختاری و شکلی و طراحی جلد و بقیه چیزها و از همه مهم‌تر محتوا، اثر، اثر قابل قبولی باشد. برای همین هم یک مدت خیلی طولانی نگارش کتاب طول کشید. طراحی جلد برای ما چهار ماه طول کشید.

*** نگارش کتاب چقدر زمان برده است؟**

نگارش کتاب حدود دو سال و سه ماه طول کشید. از روزی که رایزنی‌ها را شروع کردیم. چند ماه بعد از شهادت راوی کتاب، حال مناسبی برای گفتگو نداشتند. تا بالاخره صحبت کردیم و راضی شدند. روند مصاحبه‌ها خیلی طولانی بود، چون جلسات متعدد مزاحم ایشان شدیم. تمام سعی‌مان را کردیم. که یک اثر قابل قبولی باشد؛ اما واقعا تا این حد فکر نمی‌کردم که مخاطب داشته باشد و همه این‌ها را مدیون نوع زندگی خاص این شهید هستم و عنایت خود شهید که همه جا در کنار ما بود. وگرنه کتاب‌های بیشتری هستند که چه از لحاظ حمایت رسانه‌ای و چه این که ناشر شناخته شده‌تر باشد منتشر شده‌اند. اما به نظرم این همه توجه به کتاب، به خاطر عنایت خود شهید و دیگری هم خود مخاطبان

بودند و جریانی ایجاد شد که مخاطبان کتاب از ابتدا همراه ما بودند و حس‌شان را با ما به اشتراک می‌گذاشتند.

*** یک ویژگی این کتاب، شاید ارتباطی بود که نسل جوان با آن برقرار کردند، فکر می‌کنید دلیل این اقبال و ارتباط چه چیزی بود؟**

ببینید، ماهیت شهدای مدافع حرم، یک نوع نگاه جدیدی بود که در جامعه، به عنوان یک پنجره و روزنه ایجاد شد و نسل جوان به راحتی توانستند با این شهدا ارتباط برقرار کنند، چون می‌دیدند که این شهدا کنارشان زندگی می‌کردند، هیئت می‌رفتند، ازدواج می‌کردند، دقیقاً مثل خودشان در کوچه و بازار بزرگ شده‌اند، دیگر مثل همت، باکری و بروجردی نمی‌توانستند بگویند که این‌ها قدیمی هستند و اسطوره هستند و دیگر نمی‌شود مثل آن‌ها بود. فکر می‌کنم این همزادپنداری، باعث شد تا نسل جوان با این داستان‌ها خو بگیرد و خیلی جاها خودش را شبیه به آن‌ها ببیند، همین باعث می‌شود که نوع ارتباط معنوی با ریشه کار انجام بگیرد.

*** نوع روایت شما هم مطمئناً در جذاب شدن کتاب تأثیرگذار بوده است، این نوع روایت را در کتاب‌های دیگران هم ادامه می‌دهید؟ چون کتاب‌های خاطره تا چند سال گذشته جوری بود که طبق همان چیزی که راوی تعریف می‌کرد، داستانی نداشت.**

من معتقدم، دوره کتاب‌های تکه خاطره تمام شده است. امروز عموماً کتاب‌هایی مورد استقبال قرار می‌گیرند، که یک روایت داستانی دارند، یعنی شخصیت‌ها پرداخته می‌شوند، یک راوی وجود دارد، داستان از یک جایی شروع می‌شود و به یک جای دیگر ختم می‌شود، تجربه یکی دو سال اخیر ناشران و نویسندگان مطرح



ذهنی خاص خودشان را داشتند و در همین فضا هم برای مخاطبشان اثرگذار شدند.

هم نشان می‌دهد که کتاب‌هایی که با این سبک نوشته شده‌اند، مخاطب بیشتری داشتند.

*** کسی که وارد دنیای نویسندگی می‌شود، یک نهایت آرزو هم برای خودش ترسیم می‌کند، نهایت آرزوی شما در این دنیای نویسندگی چیست؟**

کتاب «دختر شیئا»، «دا» از جمله این کتاب‌ها هستند. من اعتقادم بر این است که این خاطرات باید یک روایت داستانی داشته باشد، برای همین به سراغ سوژه‌هایی رفتم که این داستان را بتوانم از دل حرف‌های راوی در بیاورم. معتقد به تک راوی در آثارم هستم. سراغ سوژه‌هایی رفتم که نتیجه کار هم نشان می‌دهد که یک راوی خوب کنار داستان بوده است. اگر در کتاب «یادت باشد» همسر شهید، راوی است، در کتاب «کاش برگردی» مادر شهید راوی می‌شود. این روایت داستانی کمک می‌کند که بتوانیم حرف‌مان را در بین داستان بگویم و با شکل جذابی با مخاطب ارتباط بگیریم.



*** در صحبت‌هایتان خیلی به این موضوع اشاره کردید، به سبک زندگی، فکر می‌کنید وقتی این روایت را از زندگی یک شهید دارید، چقدر بر سبک زندگی جوان امروزی تأثیرگذار می‌شود؟**

*** کتاب جدیدی برای نوشتن شروع کردید؟**

ما در دنیای زندگی می‌کنیم که گاهی احساس می‌کنم، ملاک‌هایمان برای زندگی عوض می‌شود. دنبال شهرت هستیم، دنبال پول هستیم. آن وقت شهدای مدافع حرم، ضد و نقیض ملاک‌های اشتباه می‌شوند که در اوج جوانی از زندگی، عشق و از هر آنچه دارند، می‌گذرند و به یک باره پنجره جدیدی باز می‌کنند و متوجه می‌شویم که انگار قصه دیگری هم هست، از پس همه این هول و ولایی که برای زندگی‌هایمان داریم، برای اشرافیت‌زدگی داریم. آدم‌هایی هستند که یک سری کارها انجام می‌دهند و می‌شوند محسن حججی، حمید سیهکالی. این محبوبیت این‌ها را هم نمی‌شود با پول به دست آورد. شهدا سبک زندگی‌شان همین است، در اوج سادگی، با این که خیلی راحت مثل همه ما در حال زندگی بودند، ولی یک منشور اخلاقی، فضای

الان سه پروژه را در حال کار داریم، در اولویت اول شهید سیاهکلی که شخصیت اول کتاب «یادت باشد» هستند، شبی که به شهادت می‌رسند، دو شهید دیگر هم با ایشان بودند. شهید الیاس چگینی و شهید ذکریا شیری. کتاب «کاش برگردی» روایت مادر شهید ذکریا شیری است، که پیکرش هم از سوریه تا به الان بازنگشته است. هر چقدر که کتاب «یادت باشد» یک کتاب عاشقانه است، این کتاب، یک کتاب مادرانه است. روایت مادری است که پسرش را بزرگ می‌کند و بعد هم بحث انتظاری است که برایشان اتفاق می‌افتد. دو پروژه دیگر را هم فعلا قصد رسانه‌ای کردن نداریم.

خانه ایرانی، جهیزیه ایرانی

○ مریم کمالی

رسم ما اینه که جهیزیه خارجی باشه

شور و شیرین کامل شدن دینمان!



«رسم ما اینه که دختر جهیزیه کامل داشته باشه»؛ «رسم ما اینه که پسر عروسی بزرگ بگیره»؛ «رسم ما اینه که جهیزیه خارجی باشه» و ... شاید بیش از هر جا و مناسبت و اتفاق دیگری، هنگام ازدواج و مراسم عروسی، در ایران صحبت از رسم و رسوم است.

یکی از این رسوم که در جایگاه خود اگر درست و به جا و بی‌پیرایه اجرا شود، بسیار هم خوب و کمک رسان است، جهیزیه است. در فرهنگ فارسی معین، در ذیل کلمه جهیز آمده است که «واژه‌ای است گرفته شده از عربی به معنی اسباب و اثاثیه‌ای که عروس با خود به خانه داماد می‌برد» البته ما اینجا نمی‌خواهیم در مورد کلمه جهیزیه و این که به عهده عروس است یا داماد و شرع و عرف در این باره چه می‌گویند صحبت کنیم.

در مورد رسم و رسوم و سنت‌های ازدواج هم نمی‌خواهیم حرف بزنیم. بلکه تنها می‌خواهیم بدانیم امروزه دختران و پسران جوان، برای تهیه لوازم اولیه زندگی خود، بیشتر سراغ چه برندهایی می‌روند، برندهای ایرانی یا خارجی! علت انتخاب برای هر کدام چیست و آیا پس از گذشت زمان از انتخابشان راضی هستند یا نه؟

جهیزیه معمولاً به دو قسمت تقسیم می‌شود، آن‌هایی که اغلب گران‌تر هستند و دو سوم هزینه جهیزیه صرف خرید همین چند قلم می‌شود، مثل: یخچال، لباسشویی، فرگاز، اتو بخار، پلوپز، غذاساز، مایکروویو و جارو برقی و ... دسته دوم، لوازم دیگر هستند که اگر چه تعداد و تنوعشان زیاد است، اما کمتر از اولی‌ها خرج برمی‌دارند، مثل سرویس چینی، سرویس قابلمه و ...

روزی روزگاری در همین سرزمین خودمان دختر و پسر بدون این که هم را ببینند با انتخاب بزرگترها پای سفره عقد می‌نشستند. خوب یا بد، زشت یا زیبا تنها چیزی که از زندگی می‌دانستند این بود که باید بسازند، یک وقت می‌دید کل سهم‌شان از خانه هم، اتاقی می‌شد که همسایه دیوار به دیوارش مادر شوهر بود. اما این روزها داستان فرق می‌کند، همه چیز سخت‌تر شده از انتخاب، تا اعتماد. هزینه مراسم ازدواج، خرید جهیزیه همه این‌ها پروسه‌ای شده است زجر آور. به قول یکی از بستگان ما که می‌گفت اگر می‌دانستم ازدواج کردن آن قدر سخت مجرد می‌ماندم.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): «هر گاه آدمی ازدواج کند، نصف دین را به دست آورده است و برای نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند».

به خاطر خانواده شوهرم



به سراغ خانم‌های خانه‌دار رفتیم تا بدانیم در مورد انتخاب برند جهیزیه‌شان چه حساسیت‌هایی داشتند، انتخاب‌شان چه بوده و چرا؟

سمیرا، ۲۸ ساله است، لیسانس مدیریت آموزشی دارد و شش سالی می‌شود که زندگی مشترکش را شروع کرده است. از او درباره جهیزیه‌اش پرسیدیم، سمیرا می‌گوید در خانواده ما رسم نیست که دختر جهیزیه کامل داشته باشد، معمولاً لوازم خانه بزرگ‌تر مثل یخچال و فرگاز و ... با داماد است و بقیه با عروس. اما من به خاطر خانواده همسرم که برایشان مهم بود، کل وسایل را در جهیزیه‌ام داشتم. می‌گویند من وسایل مهم‌تر! را به توصیه همکاران و دوستانم از برندهای مطرح خارجی تهیه کردم، مثل یخچال، فرگاز، جارو برقی، لباسشویی، اتو بخار و ... که خیلی هم خرج برداشت. اما بقیه را ایرانی خریدم.

از سمیرا درباره علت انتخاب برند خارجی پرسیدم و این که چرا همکارانش به او توصیه به خرید جنس خارجی کرده‌اند؛

او گفت:

«همه می‌گفتند تو داری این همه خرج می‌کنی پس چیزی را بخر که یک عمر برایت کار کند، نه وسیله ایرانی که خیلی زود خراب می‌شود و آواره تعمیرگاهت می‌کند. مهم‌ترین دلیل همین بود.» البته اعتراف می‌کنم که هنوز هم هیچ کدام از وسایلم در این شش سال مشکلی برایشان پیش نیامده است، اما دختر خاله‌ام که فقط با تفاوت شش ماه از من ازدواج کرد و وسایلیش را هم ایرانی خریده بود هم راضی است، می‌خندد و می‌گوید او هم آواره تعمیرگاه نشده! در واقع من برای خرید برندهای خارجی دو برابر تا دو برابر و نیم خرج کردم، اما هر دو داریم یک استفاده می‌کنیم و هر دو هم تا به امروز مشکل خاصی در استفاده از وسایل نداشتیم. مثلاً من یخچالم را ۳ و نیم میلیون خریدم و او یک میلیون و دوست هزار تومان. سمیرا می‌گوید اگر به گذشته برگردد وسایل ایرانی را می‌خرد و احساس می‌کند خرج اضافی روی دست پدر و مادرش گذاشته است.

در عرف ما گزینه دومی وجود ندارد

تعمیرش می‌کنیم، دوباره می‌خریم...



سبک زندگی ...

مینا، فوق لیسانس مکترونیک دارد، از کودکی همراه با خانواده‌اش به استرالیا رفته، به تازگی به ایران آمده و چند ماهی بیشتر از ازدواجش نمی‌گذرد. او می‌گوید که تمامی وسایل جهیزیه‌اش را ایرانی خریده و روی این قضیه حساسیت خاصی داشته که حتی یک لیوان یا استکان هم خارجی نباشد. او تقاضای آیت الله خامنه‌ای را برای خود یک حجت می‌داند و می‌گوید: «چون آقا گفتن جنس خارجی نخرید، جهیزیه‌ام را از مارک‌های ایرانی انتخاب کردم»، البته او می‌داند که چرا آقا چنین تقاضایی از مردم داشته‌اند و توضیح می‌دهد که: استفاده از برندهای ایرانی حمایت از تولیدکننده‌ها است، حمایت از بیکار نشدن کارگرا است و ما چه خواهیم و چه نخواهیم، می‌بایست برای حمایت از کشورمان، از اقتصادمان و از مردم و استقلالمان به حرف حضرت آقا گوش کنیم. از مینا درباره این که از وسایلی راضی است یا نه می‌پرسیم: او می‌گوید من کمتر از سه ماه است که زندگی مشترکم را آغاز کرده‌ام و این مدت زمانی نیست که بتوان درباره کیفیت وسایل نظر داد، اما تا به حال مشکلی نداشته و راضی‌ام، با این حال حتی اگر مشکل جدی‌ای برای وسایل پیش بیاید یا نیاز به تعمیر داشته باشد، آن‌ها را تعمیر می‌کنم، هدف من روشن است و می‌دانم دارم چه کار می‌کنم. در این مسیر تعمیر کردن یا دوباره خریدن یک وسیله یا داشتن امکانات کمتر، خللی در هدف و اعتقاد من ایجاد نمی‌کند.

زهره، ۳۷ ساله است و ۱۳ سال است که ازدواج کرده است؛ او می‌گوید من از کودکی به واسطه شغل پدرم، محل زندگی‌مان و عرف و فرهنگ شهری‌مان، از کالای خارجی استفاده می‌کردیم. کوچک‌ترین وسایلمان از خمیردندان و صابون گرفته تا شکلات و چیپس و ... را پدرم از کشورهای حاشیه‌ای مثل دبی و ... می‌آورد. چون دائم در حال سفر به این کشورها بود. فرهنگ ما استفاده از کالای خارجی است. به طور مثال در بندر عباس آن قدری که در سوپرمارکت‌ها چیپس و پفک با نام‌های خارجی می‌بینی، یا نسکافه و جای و شکلات خارجی، خبری از جنس ایرانی نیست. هنوز هم همین طور است. ما عادت کرده‌ایم و اصلاً نمی‌توانیم کالای ایرانی استفاده کنیم.

او می‌گوید به همین خاطر هم زمان ازدواج این مسئله برای من اصلاً گزینه نبود که کالای ایرانی یا خارجی؟ یک گزینه وجود داشت و مثل تمام انتخاب‌های گذشته، همه وسایل حتی کوچکترین‌ها را هم یا پدرم از دبی آورده بود، یا خودمان برند خارجی‌اش را تهیه کردیم. الان هم بعد از گذشت سیزده سال راضی هستیم. اما چند سالی است که دیگر سعی می‌کنم هر طور شده خارجی نخرم. حرف آقا برایم مهم است. از روزی که آقا گفتند استفاده از کالای ایرانی برای همه اصل است و این یک حجت است، من همه وسایلی مصرفی را ایرانی می‌خرم. مثل وسایل بهداشتی و ... درست است که از نظر کیفیت تفاوت‌هایی وجود دارد، اما اگر ما حمایت نکنیم هیچ وقت این کیفیت تفاوتی نخواهد کرد و تولیدکننده ما آن قدری انگیزه و هدف ندارد و نمی‌تواند با برند خارجی رقابت کند و اقتصاد همان است که بود.

زهره می‌گوید، من مطمئنم که اگر تولیدکنندگان داخلی بر روی کیفیت تولیدشان کار کنند، خیلی بهتر از برندهای خارجی می‌فروشند. همه ترجیح می‌دهند کالای وطنی ارزان و با کیفیت بخرند. همان طور که آقا توصیه به خرید جنس ایرانی دارند، توصیه به تولید جنس خوب هم دارند و من امیدوارم که تولیدکننده‌ها هم به این مسئله توجه کنند و فقط حواسشان به سودآوری خودشان نباشد.

زهره در انتقاد به محصولات خانگی ایرانی می‌گوید: قطعات اصلی وسایل ایرانی معمولاً خوب هستند، اما مونتاژشان خوب نیست، به طور مثال به تازگی یک غذاساز ایرانی خریدم که موتورش خیلی خوب کار می‌کند، اما یک دفعه دکمه‌اش از جا در می‌رود.



هنر ایرانی کجاست؟



محصول‌شان القا می‌کنند، اهمیت و ارزش چندانی قائل نیستند و به نظر می‌رسد کم‌ترین هزینه را صرف ظاهر و گرافیک و طرح محصول می‌کنند. هر بار که تبلیغ شامپوی ... را در تلویزیون می‌بینم، آنقدر حرص می‌خورم که چرا این محصول با این کیفیت خوب که من استفاده کرده‌ام و می‌دانم، باید چنین برچسب بدی داشته باشد. می‌گویم بد و این بد واقعا منظورم بد است، حتی با خودم فکر می‌کنم اگر طرح این برچسب را یا مدل این قوطی شامپو را یک دانشجوی سال اول گرافیک می‌زد، چیز بهتری از آب در می‌آمد. تولیدکنندگان ایرانی باید بدانند که اولین چیزی که مشتری را جذب می‌کند ظاهر زیبا است و بعد از آن کیفیتش. مریم می‌گوید در ظاهر محصولات ایرانی خبری از خلاقیت نیست، انگار همه دارند تلاش می‌کنند به یک تقلید ناشیانه از محصولات خارجی ادامه دهند و این واقعا جای ناراحتی دارد.

جنس خارجی اصلا وجود ندارد

آزاده ۲۹ ساله است و دیپلم دارد، ۸ سال است که ازدواج کرده است. آزاده می‌گوید: شما فکر می‌کنید آنچه که در کشور ما به عنوان کالای خارجی فروخته می‌شود، واقعا خارجی است؟ من فکر می‌کنم نیست. همسر من مغازه پوشاکی دارد و برایم از برندهای هابی که می‌شود، گفته است. او می‌گوید کارگاه‌هایی وجود دارند که به راحتی فلان مارک معروف را تولید می‌کنند و پشت لباس‌های تولید داخل می‌چسبانند و چندین برابر قیمت واقعی می‌فروشند. من هرگز اعتمادی به بازار ایرانی ندارم. به خاطر همین هم حتی آن زمان که می‌خواستیم جهیزیه بخرم چندان به زبان چرب و نرم فروشنده‌ها اعتماد نمی‌کردم و هر چیزی را که خشگل‌تر و دارای امکانات بیشتر بود و به بودجه‌ام جور در می‌آمد می‌خریدم، مهم نبود خارجی است یا داخلی. الان هم در خانه‌مان همه جور برندی هست، داخلی و خارجی! برای من زیبایی‌شان مهم است. تفاوت فاحشی هم در کیفیت‌شان وجود ندارد. همه‌شان یک‌طور هستند. گفتم که کالای خارجی واقعی به دست ما نمی‌رسد.

مریم ۳۲ ساله است، لیسانس گرافیک دارد و ۱۱ سال است که ازدواج کرده است، مریم می‌گوید من کم‌ترین جهیزیه را خریدم. یعنی در حد وسایل ضروری، آن زمان توان مالی برای خرید جهیزیه آن چنانی نداشتم. همه را هم ایرانی خریدم از اول تا آخر. الان هم راضی هستم. گاهی مشکلی پیش آمده که تعمیر شده و دوباره راه افتاده‌اند. تنها مشکل من با برندهای ایرانی ظاهر آن‌ها است، زیبایی و ظرافتی که من در وسایل خارجی دوستانم می‌بینم، در لوازم ایرانی من نیست. نمی‌دانم چرا تولیدکنندگان داخلی به زیبایی محصولاتشان چندان اهمیتی نمی‌دهند. من به واسطه رشته‌ای که در دانشگاه خوانده‌ام روی رنگ، طرح و ظاهر چیزهایی که می‌خواهم استفاده کنم خیلی حساسم. ما کشور صاحب هنر هستیم. کافی است به سابقه ما در معماری، فرش بافی، نقاشی و دیگر هنرها نگاه بیندازید. اما در محصولات خبری از این هنرها نیست. فکرش را بکنید اگر این محصولات با الهام از هنر اصیل ایرانی تولید می‌شد چقدر زیبا بود و مسئله فقط زیبایی نیست، حسی که رنگ‌ها و طرح‌های اصیل ایرانی القا می‌کنند، فرهنگی که به ما یادآور می‌شوند و آرامشی که در پس این هنر شرقی نهفته است، چقدر می‌تواند زیبا و مثرم‌تر باشد. مریم معتقد است که تولیدکنندگان برای مفهومی که از طریق ظاهر



در محضر آقای جاودان

سوال



بنده جوانی هستم ۲۱ ساله که تصمیم دارم برای ازدواج اقدام کنم. برای انتخاب همسر متناسب و تعیین مؤلفه‌های مناسب برای این انتخاب از شما کمک میخواهم؟
معیارهای انتخاب همسر چیست؟
همسر مناسب برای تشکیل یک زندگی دینی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

پاسخ



آیت الله جاودان: اگر شرایط شما برای ازدواج مهیا باشد، به ویژه از نظر مالی، این کار قابل قبول است و می‌تواند مفید و سودمند باشد و برای دین و دنیای شما نتیجه داشته باشد.

نکته اول، که در یک ازدواج بایستی در صدر نظرها و توجهات خواهان قرار بگیرد اخلاق دختر و پسر است و هیچ چیز به اندازه این مسئله مهم و مؤثر نیست. نجابت خانواده دختر و پسر و جهت‌های اخلاقی آنها مهم‌ترین شرط ازدواج است و ثروت و زیبایی و بلندی قد و تحصیل کردگی و همه و همه مسائل درجه دوم هستند؛ برای شناخت اخلاق دختر اگر بتوانید از رفتار و اخلاق مادر ایشان تحقیق کنید و ببینید که مادر در خانه شوهر چگونه عمل می‌کرده، مهربان بوده و احترام شوهر را به خوبی نگه می‌داشته و صبور بوده یا نه تحقیق کنید آیا در میان پدر و مادر اختلافی بوده دعوی نداشته‌اند، این‌ها که معلوم بشود وضع اخلاقی دختر تا حدود زیادی معلوم می‌شود. این‌ها را از آشنایان پرسید، نه یک نفر، در محل از رفتار کوچک و بازار دختر تحقیق کنید از مدرسه و دانشگاه او پرس و جو کنید. رفتار نجیبانه و غیر آن در این تحقیق معلوم می‌شود. تدین خانواده پایبندی و تعهد آنها قابل بررسی و تحقیق است. یکی دو کتاب دکتر افروز در مورد ازدواج دارد بد نیست. آقای ابراهیم امینی کتاب‌هایی در مورد خانواده و ازدواج دارند به آنها مراجعه کنید.



سوال



ض سلام و احترام فراوان خدمت استاد، اینجانب جوانی ۲۶ ساله هستم که به دلیل تحصیل در رشته خاص، هنوز کاری پیدا نکرده‌ام و در خانواده‌ام نیز با مشکلات جدی خانوادگی رو به رو هستیم. لذا به ازدواج فکر نمی‌کنم. اگر از جهات دیگر مشکلی نداشته باشم، آیا مجرد ماندن برای من اشکال دارد؟ تا چه زمانی؟

پاسخ



آیت الله جاودان: استغفار از اذکار بسیار مهمی است که مشکلات دنیا و آخرت آدمی را برطرف می‌کند. شما ذکر استغفار را بسیار بگویید بسیار، و سعی کنید با توجه به معنای آن بگویید، زیرا ذکر بی‌توجه نتیجه‌ای ندارد.

زیاد دعای «رب لا تذرني فرداً و انت خير الوارثين» را در نماز و غیر آن بگویید البته این را هم با توجه و حضور قلب بگویید. در کنار این دو دعا و ذکر، صدقه هم زیاد بدهید.

سوال



سلام علیکم من جوانی هستم ۲۳ ساله می‌خواستم از شما سؤال کنم، آیا ذکری یا دعایی خاص برای این که راه ازدواج باز بشود وارد شده است یا دستور العمل خاصی از بزرگان دارید، خواهشمند است عنایت بفرمایید ما را کمک کنید واقعا به حرام نزدیکم ممنون

پاسخ



آیت الله جاودان: استغفار از اذکار بسیار مهمی است که مشکلات دنیا و آخرت آدمی را برطرف می‌کند. شما ذکر استغفار را بسیار بگویید بسیار، و سعی کنید با توجه به معنای آن بگویید، زیرا ذکر بی‌توجه نتیجه‌ای ندارد.

زیاد دعای «رب لا تذرني فرداً و انت خير الوارثين» را در نماز و غیر آن بگویید البته این را هم با توجه و حضور قلب بگویید. در کنار این دو دعا و ذکر، صدقه هم زیاد بدهید.

عروسی‌های ناتمام

افشین حیدری

بعد از کلی تبریک و شاد باش، اولین جمله‌ای که در مراسم عقد و عروسی می‌شنویم این است که ان شاء الله به پای هم پیر شوند. اما کمی واقع بینانه که به ماجرا نگاه کنیم، همیشه هم پیوند زوجین با خیر و خوشی همراه نیست. بعضی از این زوجین تنها پس از چند سال و بعضی هم فقط چند ماه بعد می‌فهمند که گزینۀ مورد علاقه هم نیستند و باید با جدایی و طلاق به دنبال سرنوشت و همسر مورد علاقه خود بگردند. البته اگر از مشکلات زندگی مشترک فاکتور بگیریم باید گفت که خیلی از این کج فهمی‌ها و مشکلات در دوران نامزدی یا حتی در شب ازدواج پیش می‌آید. شاید نمونه‌های این اخبار را هر از چندگاهی در صفحات حوادث رسانه‌ها شنیده باشید، که خانواده عروس و داماد به دلیل اختلافات خانوادگی در شب ازدواج با هم کشمکش و دعوا داشتند و حتی بعضی از مراسم‌های عروسی به ضرب و شتم خانواده‌های دو طرف هم منجر شده است. مسعود از پرسنل تالاری در غرب تهران است که تقریباً در ایام سال با ترافیک مراسم‌های عروسی رو به رو هستند. از او در مورد این که آیا تا به حال اختلافاتی را در روز مراسم عروسی توسط خانواده‌ها دو طرف شاهد بوده، پرسیدم که جواب داد: «در این ۱۰ سال فعالیت من در تالارهای مختلف شاید ۴ الی ۵ مرتبه این گونه اتفاقات را شاهد بودم. پارسال و در تابستان بود خانواده عروس به علت مصرف مواد مخدر داماد در شب مراسم و البته شک‌هایی که قبل از آن وجود داشت با دعوایی که میان دو خانواده به وجود آمد، عروسی را نیمه کاره گذاشتند و مراسم آن‌ها به هم خورد.»

وی ادامه داد: بسیاری از مشکلاتی که شاید بتوان با اندکی تحقیق و صبر و حوصله قبل از مراسم عقد و ازدواج به آن دست پیدا کرد و از عواقب بعدی جلوگیری کرد را بسیاری از خانواده‌ها با سهل انگاری پشت گوش می‌اندازند و این می‌شود که بعد از مدتی خودش را نمایان می‌کند و بعد از کلی هزینه و حرف حدیث‌های خانوادگی به جدایی کشیده می‌شود.

وی اختلاف طبقاتی در میان دو خانواده را مورد دیگری عنوان کرد که به دعوا در عروسی منجر شد و در این مورد گفت: در مراسمی خانواده عروس که از نظر مالی بسیار پولدارتر از خانواده داماد بودند، توسط برادر خانم و در مرتبه‌های

مختلف با اعتراضاتی نسبت به این وصلت همراه بود که در نهایت با مشاجره صورت گرفته میان داماد و برادرهای وی با آن‌ها این اختلافات به صورت علنی در شب عروسی خودش را نشان داد که یادم می‌آید در آن شب دعوایی عجیب و حتی فحش‌هایی بسیار رکیک میان آن‌ها رد و بدل شد؛ که این هم خاطره‌ای دیگر از مراسم‌های عروسی بنده است. البته در کنار مشکلاتی که گاهی به خاطر کج فهمی‌ها یا نبود شناخت دو طرف حاصل می‌شود، گاهی خرافات و تعبیرهایی که از طرف خانواده‌ها و بیشتر زن‌های فامیل مطرح می‌شود را هم باید اضافه کرد.

خرافاتن چون فوت شدن متناوب بستگان یکی از طرفین و ربط دادن آن به قدم نو عروس یا نو داماد یا شکستن آینه جهیزیه و ارتباط آن با شگون نداشتن این وصلت و بسیاری خرافات دیگر که در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، باعث شده تا خیلی از وصلت‌ها به سرانجام نرسد و در روز عروسی یا قبل از آن به جدایی ختم شود. از پدرام مدیر داخلی تالاری در غرب تهران در مورد اختلافاتی که در شب عروسی زوجین پیش می‌آید، پرسیدم که بیان داشت: علاوه بر این موضوع باید بگویم بسیار دیدم که در گشت و گذاری که برای انتخاب باغ و تالار توسط پسر و دختر وجود دارد به دلیل اختلافات در انتخاب نوع غذا و میوه و حتی نوع خواننده و دی‌جی اختلافاتی میان دو طرف بروز کرده است که به عقیده بنده نوید ریشه مشکلاتی بسیار بزرگ‌تر را در آینده می‌دهد. وی در این خصوص می‌گوید: ماه پیش بود که زوجی در مراجعه به این جا و در ارائه اطلاعاتی در خصوص نحوه برگزاری مراسم به آن‌ها به علت مذهبی بودن آقا و درخواستی مبنی بر حذف خواننده و



اجرای دف نوازی توسط گروه موسیقی با مخالفت خانم رو به رو شد، به طوری که وی اصرار بر حضور خواننده و دی‌جی داشتند که کشمکش‌های را در همان روز میان آن دو شاهد بودم.

وی ادامه می‌دهد: مصرف بیش از حد مشروبات الکلی توسط بعضی جوان‌ها که تقریباً یک امر متداول در عروسی‌ها شده است و رفتارهایی غیر عادی از جانب آن‌ها، گاهی محل بروز اختلافات و جر و بحث‌هایی شده است، که تازه‌ترین این اتفاق را چند هفته پیش در میان پسر عموی داماد با برادر خانم عروس شاهد بودیم، که به علت جر و بحث متلک انداختن به همدیگر منجر به دعوا شد که در نهایت با وساطت بزرگان فامیل دو طرف این موضوع هم حل شد.

شنیدن این که عاشق سینه چاکی که به عشق خود نرسیده در شب عروسی معشوقه خود در صدد انتقام برآید را شاید در فیلم‌ها دیده باشیم، اما علی‌که از پرسنل تالاری در خیابان آزادی است از حادثه‌ای مشابه آن می‌گوید که دو سال پیش آن را دیده است. وی می‌گوید مرد عاشق که از بستگان مادر عروس و اگر اشتباه نکنم پسر خاله وی به حساب می‌آمد. در آن روز با بحث و جدل میان مادر و خاله خود سعی در بر هم زدن مراسم داشت، که با حضور مأموران نیروی انتظامی و حضور بزرگان فامیل آرامش دوباره به مجلس برگشت. بدون شک اختلافات و نبود تفاهم میان خانواده‌ها همیشه وجود داشته است گاهی این اختلافات، کوچک و جزئی و گاهی با عواملی چون مسائل فرهنگی، سطح طبقاتی، تحقیق نکردن‌های قبل از ازدواج و بسیاری موارد دیگر، اختلافات بزرگی را در میان خانواده‌ها ایجاد می‌کند که عواقب ناخوشایندی را در آینده برای دو طرف رقم خواهد زد.

بروید با هم بسازید



هم کفو باشید

در شرع مقدس اسلام آن چه که معین شده است، این است که دختر و پسر باید کفو یکدیگر باشند. و عمده مسئله در باب کفو، عبارت است از ایمان؛ یعنی هر دو مؤمن، هر دو دارای تقوی و پرهیزگاری و هر دو معتقد به مبانی الهی و اسلامی و عامل به آن‌ها باشند، این که تأمین شد، بقیه چیزها اهمیتی ندارد... وقتی تقوا و پاکدامنی و طهارت دختر و پسر معلوم شد، سایر چیزها را خدای متعال تأمین می‌فرماید. (خطبه عقد مورخه ۱۳۷۲/۶/۱۱)

ساده بگیرید

هر چه مراسم را کم‌تر و ساده‌تر بگیریم بهتر است. بگذارید آن کسانی که ندارند به ازدواج تشویق شوند و آن کسانی که ندارند، مأیوس نشوند. (خطبه عقد مورخه ۱۳۷۱/۹/۲۴)



بروید بسازید

این که می‌گویند شما سازگار باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده بسازید. معنای سازگاری این است. یعنی چیزهایی در زندگی پیش می‌آید. خوب و نفر هستند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگ‌شان دو تا باشد. ممکن است عادات‌شان دو تا باشد.

اول ممکن است یک ناسازگاری‌هایی ببینند، حالا اول ازدواج که نه آدم هیچ متوجه نیست. بعد از خرده که گذشت، ممکن است یک ناسازگاری‌هایی حس کند، آیا باید اینجا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی‌خورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسئله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری‌اش نمی‌شود کرد، خوب با او بسازید. (خطبه عقد مورخه ۱۳۷۹/۱/۱۶)



تقوا مقدم بر جمال

اگر چنانچه کسی به خاطر مال و جمال ازدواج کند، طبق روایت ممکن است خدای متعال مال و جمال را به او بدهد و ممکن هم هست ندهد. اما اگر چنانچه برای تقوا و عفاف قدم بگذارد و ازدواج بکند، خدای متعال به او مال هم خواهد داد، جمال هم خواهد داد. ممکن است کسی بگوید جمال که اعطا کردنی نیست؛ یک کسی یا جمال دارد یا ندارد! معنایش این است که چون جمال در چشم شما و در دل شما و در نگاه شما است، اگر انسان کسی را که خیلی جمیل هم نباشد، دوست داشت او را جمیل می‌بیند. وقتی کسی را دوست نداشت هر چقدر هم جمیل باشد به نظر او جمیل نمی‌آید. (خطبه عقد مورخه ۱۳۷۷/۱۰/۱۳)

به همین سادگی



نماز شکر

میلاذ پیامبر اکرم (ص) بود که مهریه را معین کردند. همان روز هم با حضور فامیل‌ها یک مراسم عقد ساده برگزار کردیم. صیغه عقد را که خواندند، رفتیم با هم صحبت کنیم. دیدیم دنبال چیزی می‌گردد؛ گفت: «اینجا یه مهر هست؟» پرسیدم: «مهر برای چی؟ مگه نماز نخوندی؟!» گفت: «حالا تو به مهر بده»؛ گفتم: «تا نگی برای چی می‌خواهی، نمیدم». می‌خواست نماز شکر بخواند که خدا در روز میلاد رسول الله به او همسر عطا کرده است! ایستادیم و با هم نماز شکر خواندیم.

«همسر شهید میثمی»



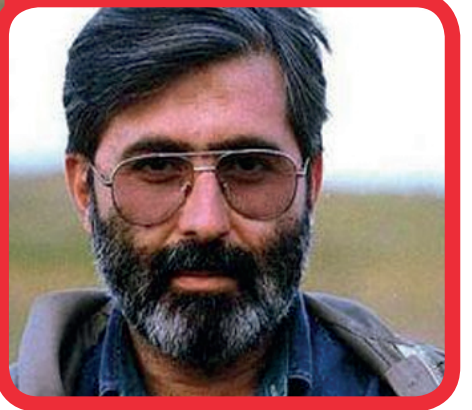
بدون هیچ وجهی

بنای ازدواجم با مصطفی عشق او به ولایت بود، دوست داشتم دستم را بگیرد و از این ظلمات و روزمرگی بیرون بیاورد. همین مبانی بود که مهریه‌ام را با بقیه مهرها متفاوت کرده بود.

مهریه‌ام قرآن کریم بود و تعهد از داماد که مرا در راه تکامل و اهل بیت و اسلام هدایت کند.

اولین عقد در شهر صور بود که عروس چنین مهریه‌ای داشت، یعنی در واقع هیچ وجهی در مهریه‌اش نداشت.

«همسر شهید چمران»



فقط لباس

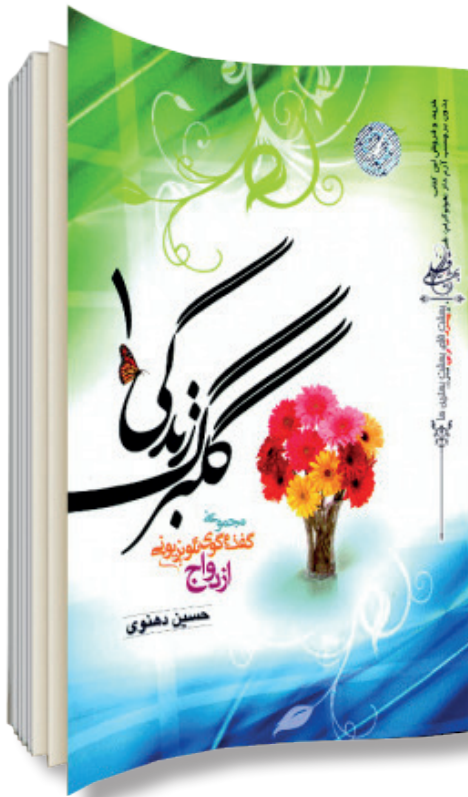
زمان ما هم مثل همیشه، رسم و رسوم ازدواج زیاد بود. ریخت و پاش هم بیداد می‌کرد، ولی ما از همان اول ساده شروع کردیم؛ خریدمان یک بلوز و دامن برای من بود و یک کت و شلوار برای مرتضی. چیز دیگری را لازم نمی‌دانستیم. به حرف و حدیث‌ها و رسم و رسوم هم کاری نداشتیم؛ خودمان برای زندگی‌مان تصمیم می‌گرفتیم. همین‌ها بود که زندگی‌مان را زیباتر می‌کرد

«همسر سید مرتضی آوینی»



قفسه کتاب ازدواج

○ عاطفه جعفری



ازدواج امر مهمی است، انقدر مهم که توصیه‌های زیادی برای آن می‌شود و برای آن زیاد می‌نویسند و می‌گویند، کلاس مشاوره می‌گذارند. در این گزارش می‌خواهیم به کتاب‌هایی بپردازیم که در مورد ازدواج منتشر شده‌اند و خواندنشان برای همه کسانی که می‌خواهند ازدواج کنند، لازم است.

بهشت خانواده

این کتاب نوشته «دکتر سید جواد مصطفوی» است، که یکی از برترین کتب در زمینه خانواده است و مباحث آن شامل هفتاد درس است و مهم‌ترین آن‌ها را پنج بخش عوامل الفت و محبت میان زن و شوهر، عوامل اختلاف و کدورت زن و شوهر و راه علاج، موقعیت واقعی زن در خانواده، موضوع حجاب و تأثیرگذاری آن بر خانواده، اظهار مطالب غریزه جنسی و تعیین مرز بین حرام و جایز می‌شود.

گلبرگ زندگی

«حجت الاسلام و المسلمین حسین دهنوی» یکی از مشاوران برجسته و کارشناسان برجسته در حوزه ازدواج و

زناشویی هستند، که ازدواج را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. کتاب حاضر جلد دوم از مجموعه گلبرگ زندگی است. این کتاب به مسائل و مشکلات دوران عقد و آغاز زندگی مشترک می‌پردازد که با توجه به تنوع مسائل و کاربردی بودن آن‌ها می‌تواند چراغ راهی برای همه زنان و مردان متأهل به ویژه زوج‌های جوان باشد. بارزترین خصوصیت این اثر آمیختگی مباحث آن با علوم روز دنیا از جمله روانشناسی و روانپزشکی است، که با رایحه خوش آموزه‌های اسلامی همراه شده و به مخاطب مسلمان اطمینان می‌دهد که برای رفع مشکلات زندگی خود و ارتقای آن راه درست را برگزیده است. کتاب گلبرگ زندگی به قلم حسین دهنوی و به همت انتشارات خادم الرضا علیه السلام منتشر شده است. چاپ اول این کتاب در ۲۲۰ صفحه و به قیمت ۳۳۰۰ تومان منتشر شده است.

زندگی + خوشبختی: ویژگی‌ها، تفاوت‌ها و نیازهای عاطفی زنان و مردان

کتاب حاضر نثری روان و کوتاه در راستای

رسیدن به ارمغان خوشبختی در زندگی زناشویی است. نویسنده ابتدا به اهمیت آگاهی از ویژگی‌های متفاوت زنان و مردان می‌پردازد و سپس در بخش نخست کتاب تفاوت‌های زن و مرد را در ابعاد و زوایای مختلفی همچون: تفاوت در احساسات، تفاوت در کلام، تفاوت در نحوه‌ی مقابله با استرس، تفاوت در کلی‌نگری و جزئی‌نگری و تفاوت در رفتار جنسی بررسی می‌کند. پس از تبیین این تفاوت‌ها نیازهای عاطفی مشترک بین زن و مرد را تحلیل می‌کند و مواد خام محصولی به اسم خوشبختی را ارائه می‌دهد.

نیازهای عاطفی مشترک که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده‌اند، عبارت هستند از: عشق و محبت، توجه، قدر شناسی، اعتماد، درک، احساس ارزشمندی و ... این کتاب را «مجتبی حیدری» به رشته تحریر در آورده و مؤسسه امام خمینی (ره) آن را منتشر نموده است. این کتاب در ۷۲ صفحه و ۹۰۰ تومان منتشر شده است.

همسران سازگار

برای رسیدن به آسایش و آرامش در کنار



به رنگ آسمان

استاد «محسن میر باقری» را همه می‌شناسند، نگاه عالمانه، دقیق و کاربردی و برداشتهایی زیبا از آیات و روایات برای زندگی امروز ما دارد. به رنگ آسمان در عرصه آموزش خانواده، مجموعه‌ای است متفاوت که تلاش برای ارتباط با مخاطب از ارکان ساختاری‌اش بوده است.

همراهی محتوای کتاب با جذابیت‌های هنری اثرگذاری کتاب را دو چندان کرده است. ویژگی‌های خانواده متعادل، بایسته‌های خانواده از دیدگاه قرآن و شادکامی و نشاط در زندگی از محورهای مهم این کتاب است. سید محسن میر باقری این کتاب را در ۱۳۲

این مورد منجر به پرورش احساسات و عاطفه بین زوجین می‌شود. کتاب حاضر به بیان نیاز انسان به ازدواج از ابعاد مختلف می‌پردازد و اصولی را که محبت را در خانواده بیشتر می‌کند، را تبیین می‌کند.

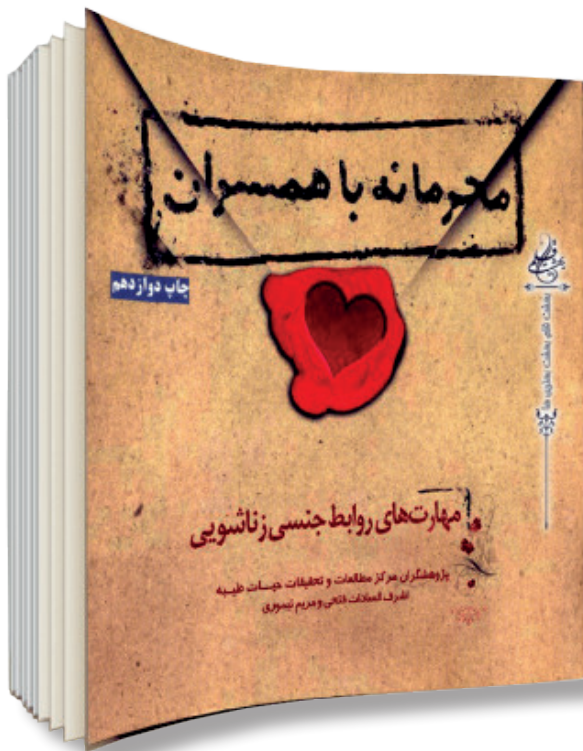
از خصوصیات این اثر تشریح روابط همسران در چارچوب خصیصه‌ها و موازین اخلاقی و بیان احکام زناشویی است. محرمانه با همسران کار مشترکی است از «اشرف السادات فتحی» و «مریم تیموری» که انتشارات حدیث راه عشق آن را در ۱۴۴ صفحه و به قیمت ۳۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

محرمانه با همسران

حالت‌های متفاوت زن و مرد در روابط زناشویی باعث خواسته‌هایی مشترک می‌شود که آن‌ها را به سمت زناشویی سوق می‌دهد. دانستن اطلاعاتی خاص در

همسر به عنوان هدف ازدواج، سازگاری نقش به‌سزایی دارد. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوانان جویای همسر و پدران و مادرانی که می‌خواهند وظیفه ترویج فرزندان را انجام دهند، یافتن شریکی برای زندگی مشترک است که روحیه توافق و انطباق داشته باشد.

از این رو شناخت عامل سازگاری میان زن و شوهر و راهکارها، مهارت‌ها و فنون پیدایش و بقای آن، همچنین آسیب شناسی آن از مهم‌ترین مسائلی است که نگارنده را به بررسی این مهم رهنمون کرده است. این کتاب در این زمینه گام‌های بسیار خوبی را برداشته است. این کتاب به قلم «محمد علی حسین زاده» و توسط مؤسسه امام خمینی (ره) منتشر گردیده است. آخرین چاپ این کتاب در سال ۱۳۹۰ و در ۳۶۰ صفحه و به قیمت ۵۰۰۰ تومان منتشر شده است.



صفحه نگاشته و انتشارات آهنگ قلم آن را به قیمت ۱۳۰۰ تومان منتشر کرده است.

فردای ازدواج: آشنایی با مهم‌ترین مباحث فردای ازدواج

بنای ازدواج با مصطفی عشق او به ولایت بود، دوست داشتم دستم را بگیرد و از این ظلمات و روزمرگی بیرون بیاورد. همین مبانی بود که مهریه‌ام را با بقیه مهرها متفاوت کرده بود.

مهریه‌ام قرآن کریم بود و تعهد از داماد که مرا در راه تکامل و اهل بیت و اسلام هدایت کند.

اولین عقد در شهر صور بود که عروس چنین مهریه‌ای داشت، یعنی در واقع هیچ وجهی در مهریه‌اش نداشت.

«همسر شهید چمران»

نامه‌ای به جوان در آستانه ازدواج

می‌خواهم بدونم ایمن ازدواج چه فایده‌ای دارد، که این قدر اصرار می‌کنید؟ تازه مگه با این گرفتاری‌های من می‌شود ازدواج کرد؟ هنوز تحصیلاتم تموم نشده است...

اصلا من با چه کسی ازدواج کنم؟

من که نمی‌دونم چطور باید کسی رو برای خودم پیدا کنم. تازه، بعد از این که یک نفر پیدا شد، چطور اونو بشناسم و مطمئن شوم برای من مناسب است؟ این کتاب به مسائل گوناگون در باب ازدواج در شانزده فصل می‌پردازد. این کتاب نوشته «مهدی عدالتیان» است و ناشر آن راه روشن هدایت است.



از توقیف رحمان ۱۴۰۰ تا صحبت‌های ده نمکی

○ عطیه آقا بابایی

بناداریم در این گزارش به مهم‌ترین و پرحاشیه‌ترین اتفاقاتی که در فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ برای اهالی سینما رخ داده، بپردازیم.

کمک اهالی سینما به سیل‌زدگان



روزهای آغاز سال جدید کشورمان با اتفاق غم‌انگیز سیل همراه بود، بطوریکه این حادثه همه کشور را غم‌آلود کرد، سینما هم از این قاعده مستثنا نبود و درگیر ماجرای غیر منتظره سیل شد تا جایی که سازمان سینمایی کشور با هماهنگی‌های صورت گرفته تمامی سینماهای سه استان گلستان مازندران و فارس از روز هشت فروردین به مدت ۵ روز تمامی فیلم‌های در حال اکران نوروز را به صورت نیم بها به نمایش گذاشت، در برخی مناطق نیز که سالن وجود نداشت با سینماهای سیار فیلم‌های سینمایی را برای هموطنان اکران می‌کردند.

صحبت از نیم بها شدن فیلم‌های نوروزی در مناطق سیل زده شد، اما بد نیست مروری هم کنیم بر فیلم‌های اکران شده نوروز؛ به هر حال هر سال سینماگران علاقه‌مند هستند تا فیلم‌هایشان در عید نوروز اکران شود؛ زیرا مخاطبان بسیاری در این روزها به سینما می‌روند. به فیلم‌های اکران شده نوروز برمی‌گردیم در واقع نوروز امسال هفت فیلم سینمایی «متری شیش و نیم»، «غلامرضا تختی»، «چهار انگشت»، «زندانی‌ها»، «رحمان ۱۴۰۰»، «ژن خوک» و «پیشونی سفید ۳» در اکران نوروزی سینماها قرار گرفتند.

روزهای آغاز سال جدید کشورمان با اتفاق غم‌انگیز سیل همراه بود، بطوریکه این حادثه همه کشور را غم‌آلود کرد، سینما هم از این قاعده مستثنا نبود و درگیر ماجرای غیر منتظره سیل شد تا جایی که سازمان سینمایی کشور با هماهنگی‌های صورت گرفته تمامی سینماهای سه استان گلستان مازندران و فارس از روز هشت فروردین به مدت ۵ روز تمامی فیلم‌های در حال اکران نوروز را به صورت نیم بها به نمایش گذاشت، در برخی مناطق نیز که سالن وجود نداشت با سینماهای سیار فیلم‌های سینمایی را برای هموطنان اکران می‌کردند.

پس از فیلم «رحمان ۱۴۰۰»، بیشترین میزان مخاطب و فروش برای فیلم سینمایی «متری شیش و نیم» سعید روستایی بوده که توانست با جذب ۷۴۰ هزار نفر به سینما در هفته سوم اکران خود ۱۰ میلیارد و ۴۹۰ میلیون تومان فروش داشته باشد. به تفکیک از این مقدار فروش ۶ میلیارد و ۶۳۰ میلیون تومان سهم فروش در تهران بوده است.

در رتبه سوم پرفروش‌ترین فیلم‌ها در ایام نوروز، فیلم سینمایی کم‌دی «چهار انگشت» حامد محمدی قرار دارد. این اثر چهار و نیم میلیارد فروش داشته و تا پایان ایام تعطیلات در نوروز ۳۰۰ هزار نفر پای دیدن آن نشستند. این فیلم در تهران حدود سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون و در شهرستان‌ها حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان فروش داشته است.

فروش بیش از ۳۵ میلیاردی سینما



مسعوده نمکی:
در سینما احساس بی پناهی
می‌کنم



در زمان اکران دو فیلم «زندانی‌ها» و «رحمان ۱۴۰۰» با حاشیه‌هایی مواجه شدند. اولین حاشیه مربوط به مصاحبه منتقدانه مسعود ده نمکی کارگردان فیلم «زندانی‌ها» بود. او در گفت و گویی با خبرگزاری تسنیم می‌گوید: وقتی فیلم سازی به مفاهیم اخلاقی می‌پردازد مورد هجمه یک جریان قرار می‌گیرد و احساس بی پناهی می‌کند، اما وقتی هدف بیان اعتقادات باشد با این هجمه‌ها مقابله می‌کند وقتی مضامینی چون مضامین فیلم‌هایی که ساختم می‌سازید در سینما احساس بی پناهی به شما دست می‌دهد؛ به عنوان مثال وقتی فیلم رسوایی ساخته شد و جشنواره به آن توجه نکرد درست است که برای جوانان این گونه بی مهری‌ها ایجاد دلزدگی می‌کند، اما برای من تأثیر اجتماعی فیلم اهمیت دارد، که در حافظه تاریخی مردم ماندگار شود

توقیف رحمان
۱۴۰۰

حاشیه دیگری که در زمان اکران‌های نوروزی رخ داد، مربوط به فیلم «رحمان ۱۴۰۰» بود. این فیلم نزدیک به ۲۱ میلیارد فروخت و بیش از یک ماه روی پرده اکران بود، اما بعد از یک ماه نهادهای نظارتی به این نتیجه رسیده‌اند که نسخه اکران شده فیلم با آنچه روی پرده است، فرق می‌کند. البته دلیل این توقیف را اعتراضاتی که نسبت به برخی شوخی‌ها و الفاظ دور از عرف شده بود، ذکر کردند و اما سؤال این جا است که چرا بعد فروش ۲۲ میلیاردی این فیلم تازه مشخص شده است، که نسخه در حال اکران این فیلم با نسخه‌ای که برای مجوز اقدام کرده بود، متفاوت است.

محمدرضا فرجی مدیرکل سینمای حرفه‌ای سازمان سینمایی همان موقع مصاحبه با خبرنگار تسنیم کرد و گفت: «سازمان سینمایی بعد از ارائه مجوز به هر فیلم برای تطابق نسخه مجوزدار و آن چه به اکران در می‌آید، بازرسانی را به سینما می‌فرستد و بر مبنای گزارش این بازرسان تصمیم‌گیری می‌کند».

وی افزود: در مورد فیلم «رحمان ۱۴۰۰» این اتفاق افتاده است و گویا نسخه دارای مجوز این فیلم با نسخه در حال اکران متفاوت است که برای آن تصمیم‌گیری لازم را اتخاذ می‌کنیم.

در ماده ۱۶ آیین‌نامه «نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش آن‌ها» آمده است که: «هر کس بدون اخذ پروانه نمایش از اداره کل نظارت و نمایش وزارت ارشاد اسلامی یا اسلاید و ویدئو بنماید یا برای تقاضای صدور پروانه به تقلب و فریب متشبهت شود یا اطلاعات و مدارک مرسوم یا مجهول عنوان کند یا در موقع نمایش فیلم خودسرانه به حذف قسمتی از فیلم یا الحاق و افزودن صحنه‌هایی که در موقع صدور پروانه از طرف مراجع ذیصلاح حذف شده، اقدام نماید یا صحنه‌هایی از فیلم را در موقع تقاضای صدور پروانه نمایش خود از متن

خارج کرده و این صحنه‌ها را بعد از صدور پروانه به متن فیلم اضافه کند و به طور کلی کلیه اشخاص که به نحوی از انجام در اجرای مقررات این آیین‌نامه تخلف نمایند گذشته از این که برای تخلف در هر مورد به موجب قوانین جاری مملکتی تعقیب می‌شوند. در مرحله اول پروانه نمایش فیلم و در صورت تکرار تخلف علاوه بر مجازات قانونی پروانه کسب متقاضی و نمایش دهنده فیلم لغو خواهد شد».

«سید عباس صالحی» هم همان دوران در حاشیه جشنواره جهانی فیلم فجر در پاسخ به سؤالات خبرنگاران مبنی بر توقیف فیلم «رحمان ۱۴۰۰» و چرا توقیف نتیجه یک تخلف می‌شود؟ گفت: من در جزئیات این فیلم نیستیم و نمی‌خواهم درباره یک فیلم قضاوت کنم، اما مسیر حرفه‌ای بودن را در کل کار باید تعقیب کنیم و حرفه‌ای بودن هم این است که مقررات اکران با دقت رعایت شود. مواردی از این دست، نظام اعتماد را مختل می‌کند و وقتی هزینه‌های یک مسئله بر همه مکشوف باشد که اگر تخلفی صورت گرفت از آن اغماض نمی‌شود، بعدا ما می‌توانیم سیستم اعتماد به هم را بالا ببریم.



کارگردان: منوچهر هادی / تهیه کننده: علی سرتیپی
RAHMAN 1400
رحمان ۱۴۰۰

شکست غلام رضا تختی

فیلم «غلامرضا تختی» از جمله فیلم‌های دیگر اکران نوروزی با شکست مواجه شد و این که مردم رغبتی به دیدن فیلم پهلوان تختی نشان ندادند، موجب تعجب بود تا جایی که پیشکسوت کشتی محمد رضا طالقانی بعد از دیدن فیلم گفت: یادمان باشد که مرام پهلوانی و آقا تختی تا همیشه ماندگار است و به همین دلیل این فیلم چه بخواهیم چه نخواهیم ماندگار است. متأسفم که تا به حال این فیلم از طرف مردم آن طور که شایسته نام جهان پهلوان تختی است، حمایت نشده است و شاید تعداد محدود سالن‌ها و سینماها هم مزید بر علت است.

۳۰ درصد مردم ایران سینما نرفتند

اما گران شدن بی‌سر و صدای بلیت سینماها هم همچون سایر اقلام مورد توجه بود، به طور کل اگر ارقام ذکر شده در ذیل را برای خانواده‌هایی سه تا پنج نفره در نظر بگیرید، رقم‌هایی است که برای تفریح و سرگرمی خانواده‌ها گران به شمار می‌رود.

سینماهای ممتاز در روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه و چهارشنبه حداکثر ۱۱ هزار تومان، روزهای سه‌شنبه (نیم بها) ۷ هزار تومان و پنجشنبه، جمعه و روزهای تعطیل ۱۳ هزار تومان است.

قیمت بلیت در سینماهای درجه یک در روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه و چهارشنبه حداکثر ۹ هزار تومان، روزهای سه‌شنبه (نیم بها) ۵۵۰۰ هزار تومان و پنجشنبه، جمعه و روزهای تعطیل ۱۱ هزار تومان خواهد بود.

قیمت بلیت در سینماهای درجه دو نیز در روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه و چهارشنبه حداکثر ۷ هزار تومان، روزهای سه‌شنبه (نیم بها) ۵ هزار تومان و پنجشنبه، جمعه و روزهای تعطیل ۱۰ هزار تومان تعیین شده است.

مبالغ فوق بدون احتساب مالیات بر ارزش‌افزوده تعیین شده، لذا سینماداران باید بر اساس قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، با افزودن ۹ درصد مالیات به ارزش‌افزوده اقدام به فروش بلیت کنند و طبق آماری از مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) ۳۰ درصد مردم ایران سینما نرفتند.

اما پایان تعطیلات نوروزی هم با خبر ناخوشایند فوت جمشید مشایخی همراه شد



عدم انتشار آمار و ارقام سینمایی

از ترانه‌های عاشقانه برایم بخوان

پول در ایران ریخته،

اما در عراق حس بهتری دارم

گفت و گو با حسین نداف

همه چیز پول نیست و آدمی نیاز به حال خوب دارد که من این حال را در ایامی که در کنار حرم اقا امیر المومنین حضور دارم، بدست می‌آورم.

چیره دستی و نبوغ هنرمندان ایرانی در خلق اثری که هر بیننده‌ای را هاج و واج و آن‌ها را ساعت‌ها مبهوت کارشان کند از قدیم الایام زباززد مردم و هنرمندان کشورهای دیگر بوده است. بسیاری از مساجد و آیین‌های تاریخی که هر بیننده‌ای با دیدن آن‌ها شگفت‌انگیز می‌شود، به خاطر تذهیب و منبت کاری و نوع خاص اسلوبی است که در معماری آن‌ها به کار رفته است. بی شک دیدن این شاهکارهای هنری که برگرفته از معماری ایرانی اسلامی است جلوه گاه عشق و عبدویت پروردگار را بیشتر می‌کند و به هر بنده‌ای در هنگام نیایش، آرامش و خلوت خاصی می‌دهد که باید آن را قدردان افرادی دانست که ماه‌ها و در بعضی آثار، سال‌ها وقتشان را می‌گیرد تا شاید با هنر خود بتوانند در هر چه نزدیک‌تر کردن مردم به بندگی پروردگار نقشی کوچک ایفا کنند هنرمندانی که ساعت‌ها کار طولانی و فشار بر اکثر اندام بدنشان را تحمل می‌کنند تا هر چه زودتر اثری هنری را با میلیون‌ها مردمی که به اماکن متبرک و حرم ائمه می‌آیند به اشتراک بگذارند و سهمی کوچک در خلوت و آرامش آن‌ها با نمایش اثر هنری خود داشته باشند.

حسین نداف که تقریباً نزدیک به نیم قرن است در هنر معماری فعالیت دارد یکی از آرزوهای خود را فراگیر شدن این هنر در جای جای این سرزمین می‌داند، اما به کمبود استاد کار و معمار زبده اشاره می‌کند و می‌گوید: بیشتر اساتید معماری ما یا از این دنیا رفتند و یا در سن بازنشستگی به سر می‌برند و در جوان‌ها هم خیلی کم افرادی پیدا می‌شوند که تن به این کار دهند. چون همانطور که می‌دانید این کار سختی‌های خاص خودش را دارد و در سرما و گرما و در فضاهایی بسیار سخت باید کار کنید. به همین خاطر کمتر هنرمندانی حاضر به کار در حوزه معماری اسلامی هستند.

وی ادامه داد: با ۶۰ سال هنوز احساس

نمایش «قصر شیرین» به جهت برنامه‌ریزی اکران آن در فصل تابستان، سازمان سینمایی از صدور پروانه امتناع کرده است که پس از بررسی علت موضوع، مشخص شد یکی از نهادهای انتظامی فقط به دلیل چند پلان از فیلم که خوشایند آن‌ها نیست، به سازمان سینمایی تأکید کرده است حق صدور پروانه اکران برای «قصر شیرین» را ندارد!».

طبق ادعای روابط عمومی، این فیلم سینمایی توقیف شده است.

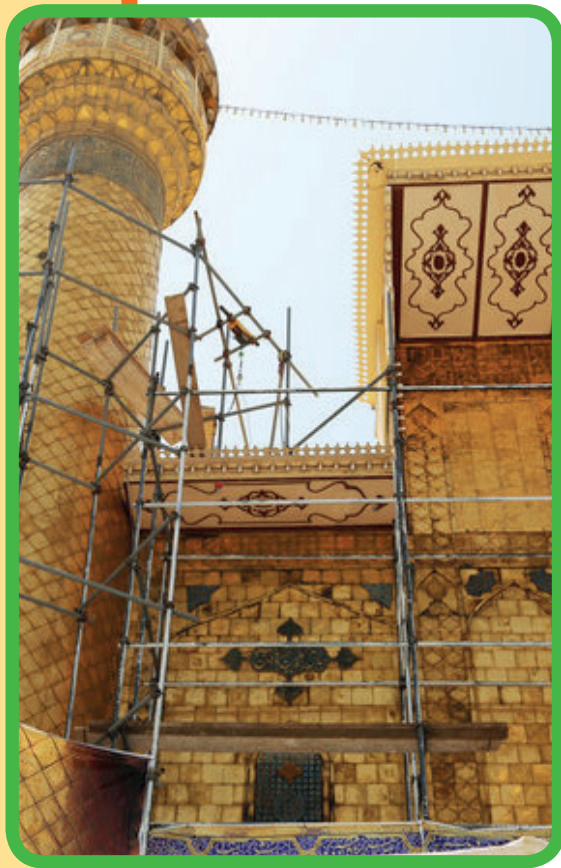
طبق روال هر ماه در اواسط اردیبهشت ماه نیز فیلم‌های جدیدی پروانه نمایش گرفتند. مجوز نمایش سه فیلم «ایده اصلی»، «زهرمار» و «روسی» صادر شد.

«ایده اصلی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی آریتا موگویی و نویسندگی امیر عربی با موضوع اجتماعی، «زهر مار» به تهیه‌کنندگی جواد نوروز بیگی، کارگردانی جواد رضویان و نویسندگی پیمان عباسی با موضوع کمدی اجتماعی و «روسی» به تهیه‌کنندگی و نویسندگی علی اکبر ثقفی و کارگردانی امیر حسین ثقفی با موضوع اجتماعی است.

در اردیبهشت ماه مراسم فرش قرمز فیلم سینمایی «ترانه‌های عاشقانه برایم بخوان»، محصول مشترک سینمای ترکیه و ایران با حضور هنرمندان در مرکز کانیون استانبول برگزار شد. این فیلم محصول مشترک ترکیه و ایران است که ۷۰ درصد داستان فیلم در استانبول فیلمبرداری شده است. بازیگران سینمای دو کشور از جمله پژمان بازغی، یوسف چیم، علی بوراک چیلان، هازال تورسان، افسانه پاکرو، آیشن اینجی، سمرا دینچر، فرناز محمودی، علیحان تورک دمیر، امید روحانی، آی تک جاوید، سارا احمدی، سوگل یکتا در این اثر ایفای نقش می‌کنند. با وجود تبلیغات بسیاری که برای این فیلم شده است، اما شنیده‌های حاکی از آن است که این فیلم در سینماهای کشور ترکیه مورد استقبال قرار نگرفته است البته آمار و ارقامی هم تاکنون از فروش این فیلم در سینماهای ترکیه در دست نیست.

بنابراین گزارش سید رضا میر کریمی کارگردان فیلم سینمایی «قصر شیرین» طی انتشار خبری اعلام کرد: «علیرغم تلاش فراوان و دو ماهه برای دریافت پروانه





*پول در ایران ریخته، اما در عراق حس بهتری دارم

می‌کنم در این مسیر خیلی کار دارم و هنوز خیلی مساجد و ابنیه تاریخی است که باید بر روی آن‌ها کار کنم و این هنر اصیل ایرانی را به هنر دوستان واقعی نشان دهم.

از وی به عنوان یکی از استادکارانی سابقه در طراحی گنبد‌های حرم‌های عتبات عالیات نام می‌برند و طبق گفته خودش چند سالی است که در رفت و آمد به عراق است و تقریباً در طرح‌های زیادی حضور داشته است. معتقد است، زمان در کار آن‌ها نباید معنا داشته باشد و هنر معماری باید با حوصله و ظرافت خاصی انجام شود تا به دل بنشیند.

از او در مورد فعالیت این روزهایش و اینکه آیا هنوز هم در عراق مشغول فعالیت است یا خیر؛ پرسیدم که این طور جواب داد: در حال حاضر به علت تعطیلی پروژه، مشغول انجام گنبدکاری بر روی امامزاده‌ای به اسم احمد جوانمرد در گناباد هستم که از خشت اول تا آخر این کار را خودم انجام دادم. پیش از این کار مسجدی را با نام امام رضا (ع) و به سبک هزار سال پیش و همچنین کاروانسرای را برای میراث فرهنگی این شهر انجام دادم که از تازه‌ترین کارهای بنده است

این معمار با سابقه خراسانی معتقد است؛ معماری ایرانی-اسلامی با آدم حرف می‌زند و گوشه گوشه آن پر از راز و رمز است که هر بیننده‌ای با تماشای آن مبهوت آن می‌شود و اگر این هنر هنوز در ایران مورد توجه توریست‌ها و مردم قرار گرفته است، باید آن را مدیون شیخ بها که اولین و آخرین استاد به معنای واقعی کلمه در این حوزه بود، دانست.

هنرمندانی که بیشتر از شبه روشنفکری پای اعتقادشان هستند وی معنویت و وصل بودن معماران اسلامی به سرچشمه هستی و ائمه را در خوب شدن کار بی تأثیر ندانست و خاطر نشان کرد: معماری و آن هم با رویکرد اسلامی که ما کار می‌کنیم ارتباط تنگاتنگی با عرفان

هنرمند دارد و فکر می‌کنم یکی از دلایلی که این کارها به دل می‌نشیند به خاطر حلقه وصلی است که معمار با ائمه و خدای خود دارد و همان طور که گاهی شاعران از چیزهایی الهام می‌گیرند و شعر آن‌ها بر دل می‌نشیند، در حوزه معماری هم، هنرمند باید خودش را سراسر از بندگی و عشق به ائمه کند تا بتواند حس خوبی به مخاطب خود دهد.

این استاد کار با سابقه، هنر معماری را نیازمند صبر و حوصله و بیشتر از هر چیز با عشق هنرمند به کار توصیف کرد و گفت: اگر کاری را شروع کردید نباید با زمان آن را به جلو ببرید بلکه هر چه حساسیت و دقت بیشتری در آن به خرج دهید به پخته شدن کار کمک می‌کند. وی می‌گوید: وقتی خشتی را کار می‌کنیم اگر یک میلی‌متر جلو یا عقب کار شود در روند کار و خروجی آن تأثیر می‌گذارد. حتی بارها شده در انجام پروژه‌های عتبات عالیات، دوغاب را می‌توانستم با دو مرحله تمام کنم، اما با سه الی چهار مرحله سعی کردم تا کیفیت نهایی کار را دوچندان کنم و همان شد که بعد از اتمام کار جلای خاصی داد و بر دل نشست.

وی که سال‌هاست در نجف اشرف، مشغول کار بر روی گنبد‌های حرم امیرالمومنین و سایر ائمه است پر از خاطره‌های جالب است از وی در مورد شیرین‌ترین خاطره‌ای که در این سال‌ها تجربه کرده است، پرسیدم که این طور بیان داشت:

یک روزی بعد از اتمام کار، گروهی از کشور هند را در جلوی حرم حضرت امام علی (ع) دیدم که نجواکنان چیزی را برای خودشان زمزمه می‌کنند و در درون خودم گفتم که این‌ها که سنی هستند و نماز هم نمی‌خوانند چرا این قدر ملتسانه و زارزان از امامی که متعلق به شیعیان هست، مدد می‌جویند. بعد از این فکر شب در هتل و در هنگام خواب، حضرت را دیدم که به سمت من آمد که همان که خواستم به سمت ایشان بروم و پشت به من، سمت این گروه هندی چرخید و با آن‌ها به زبان خودشان حرف زد به طوری که از روز بعد با خودم عهد بستم که از آن به بعد خیلی

سریع، نسبت به عقاید و ارتباط‌های درونی مردم زود قضاوت نکنم و آن‌ها را با نگاه خود نسنجم.

از این استاد کار، اهل گنبد در مورد دستمزد کارش پرسیدم و بیان داشت: اگر اغراق نباشد در ایران و در طول سال پیشنهاد کار زیادی دارم و، چون که معمار زیادی در ایران نداریم، می‌توانم به جرأت بگویم، رشته بنده یکی از تنها رشته‌هایی است که هیچ وقت در آن بیکار نیستید. دستمزدی که من برای یک کار ۲۰ روزه می‌گیرم، تقریباً بیست میلیون است که البته این رقم در مقایسه با پروژه‌های حرم‌ها عراق بسیار بالاتر است، اما فکر می‌کنم گاهی همه چیز پول نیست و آدمی نیاز به حال خوب دارد که من این حال را در ایامی که در کنار حرم اقا امیرالمومنین حضور دارم، بدست می‌آورم به طوری که با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست. بارها شده که گره‌ای در کار داشتم و وقتی دوباره به عراق بازگشتم این گره ناخودآگاه باز شده است.

گزارش خبرنگار شاهد از بلبشو موسیقی در کشور

موسیقی غذای روح است، قدر گوش‌هایمان را بدانیم

از آزمون‌هایی که سواد موسیقی فرد را محک می‌زنند همیشه رکن اصلی یا به تعبیری هفت خوان رستمی است که فرد برای خواننده شدن باید طی کند و صرفاً به واسطه پول و علاقه اجازه حضور در مقام خوانندگی را ندارد.

سبکی که جوان‌ها را عاشق موسیقی کرد

ظهور خوانندگان مشهور پاپ در سال‌های میانی دهه ۷۰ موجی از شهرت را در میان جوانان به راه انداخت. به طوری که خیلی‌ها برای رسیدن به خواسته خود حاضر به انجام هر کاری بودند. موسیقی پاپ که در آن سال‌ها

سبک جدیدی بود؛

توانست مردم

زیادی را با

خود همراه

سازد و

ا لبته

احساس می‌شود. خوانندگان جوان و کسانی که در سر داعیه مشهور شدن دارند، همیشه باید به این نکته واقف باشند که موسیقی مستقیماً با گوش مردم سر و کار دارد و گوش مردم هم طبعاً تحت تأثیر موسیقی‌هایی است که وزن و محتوای آن‌ها از وقار لازم برخوردار است.

اما این در حالی است که در سال‌های اخیر شعر و موسیقی کشور به سمتی رفته که سطح انتظار مردم را پایین آورده است. به طوری که دیگر حتی با شنیدن موسیقی ضعیف و بدون محتوا هم واکنش کمتری به آن داریم.

گواه این مدعا را باید در دهه‌های گذشته دانست که هر کسی به خود اجازه نمی‌داد تا خواننده شود و اگر کسی به اشتباه وارد این عرصه شده بود توسط خود مردم حذف و کنار گذاشته می‌شد.

خواننده‌هایی، چون محمد اصفهانی، علیرضا افتخاری، علیرضا عصار، مانی رهنما و... که تنها بخشی از جامعه حرفه‌ای خوانندگان پاپ را شامل می‌شوند همیشه به دنبال تولید آلبوم‌هایی با مفهوم و آهنگ‌های اصیل ایرانی بودند و هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها از فعالیت‌شان، مشتریان پر و پا قرص خود را دارند و کافی است تا آلبومی از آن‌ها بیرون بیاید تا با فروش چشم‌گیری رو به رو شوند. بدون شک برای درک ماندگاری این افراد کافی است تا به بیوگرافی آن‌ها نگاهی بیندازیم.

موضوعی که تقریباً نشان می‌دهد کسب شاگردی یا تحصیل تخصصی در رشته موسیقی، آن‌ها را به این درجه از محبوبیت رسانده است. در حالی که با نگاه به کارنامه خواننده‌های جدید در می‌یابیم بیشتر از هر چیز پول و تعاریف دوست و آشنا است که آن‌ها را به این حیطة کشانده است و خیلی هم از جنس هنر نیستند، بلکه فقط برای پرستیژ و پاسخ به علایق خود سر از حرفه خوانندگی در آوردند.

این در حالی است که در موسیقی کشورهای دیگر توجه به آموزش و عبور

تب تند خواننده شدن در دهه‌های گذشته انگار هنوز نخواستار است و کافی است تا به تبلیغات روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی نگاه کنید تا با انواع آگهی‌ها از تولید آهنگ تا اخذ مجوز آلبوم موسیقی رو به رو شوید.

در تماس با چند استودیو، اولین چیزی که شنیدم اراده‌ای مصمم و تقبل هزینه‌های چند ده میلیونی ساخت آلبوم، مهم‌ترین سؤالی بود که از من پرسیده شد و اصلاً این که چند سال است که کار می‌کنم و چه دوره‌هایی را دیدم برای آن‌ها مهم نبود.

حتی اگر صدای خیلی دلچسبی هم نداشته باشید این شرکت‌ها و استودیوهای موسیقی برای این هم راه حل دارند. کافی است تا صدایتان را به افکت‌های موسیقی و صداپرداز بسیارید تا با دستگاه، ایراد و نویز صدای شما را بگیرند.

مسئله خواننده شدن و عشق به خوانندگی در میان بعضی جوان‌ها باعث شده تا به هر نحوی به سمت این شرکت‌ها بروند که نه از هنر بویی برده‌اند و نه برای گوش مردم ارزش قائل هستند و فقط پول افراد برای آن‌ها مهم است.

صدا نداشته باش، خواننده شو

صداگذاری و افکت‌های کامپیوتری در موسیقی کاری کرده که مشکلات خیلی خواننده‌ها در طرز ادای کلمات، کوک خواندن و بسیاری از نکته‌های هنرخوانندگی حل شده است. به طوری که خیلی از خواننده‌ها دیگر خودشان را ملزم به یادگیری و شناخت نوت‌ها، ریتم، نفس‌گیری به موقع و... که از نکات ابتدایی آواز است، نمی‌دانند.

با ذکر این مسئله بی‌راه نیست، که بگوییم هشتاد درصد خوانندگان پاپ ایرانی اصلاً درست نمی‌خوانند.

باید گفت: در این فضای بی‌حساب و کتاب که هر کسی با پول خرج کردن می‌تواند رویای خواننده شدن را تجربه کند؛ فرهنگ سازی درست و به موقع در باب سواد شنیداری جامعه و سوق دادن مردم به سمت شنیدن موسیقی فاخر و برآمده از نت‌های صحیح موسیقی بیش از هر چیز

نا گفته

نماند

که شعرها

با محتوا

و ملودی که

داشت بر دل

می‌نشست و جمعیت

زیادی را با خود همراه

می‌ساخت. افرادی، چون چنگیز

حبیبیان، خشایار اعتمادی، شادمهر



عقبلی، محمد اصفهانی، ناصر عبدالهی و ... از جمله خوانندگانی بودند که در آن سال‌ها ظهور کردند و با آلبوم‌های متفاوت خود توجه مردم را به سمت موسیقی پاپ جلب کردند، به طوری که هنوز پس از گذشت سال‌ها، بسیاری از این آهنگ‌ها در ذهن مردم باقی مانده است.

البته این سبک موسیقی در ابتدا با انتقادهایی از جانب مسئولان هنری رو به رو بود و حتی در سال‌های ابتدایی، محدودیت پخش از صدا و سیما را داشت، اما رفته رفته جای خود را در جامعه باز کرد به طوری که الان به یکی از سبک‌های مورد علاقه مردم تبدیل شده است و هواداران بسیاری دارد.

موسیقی پاپ بعد از انقلاب تقریباً از اواسط دهه ۷۰ و توسط خواننده‌هایی جان گرفت که از هر نظر برای اعتلا و

خواننده‌های رپی باشیم که شاید به جرأت بتوان گفت، تاریخ مصرف آن‌ها حداکثر یکسال است. موسیقی که شاید با تأثیر بر روح و روان طیف سنی خاصی از نوجوانان و جوانان آن‌ها را به انجام کارهایی غیر اخلاقی سوق می‌دهد، که نه تنها برای خودشان بلکه برای جامعه هم خطر ساز است.

موسیقی را به حال خود رها نکنیم

موضوعی که روشن است این که متأسفانه حوزه تولید موسیقی رپ در کشور ما روز به روز گسترش می‌یابد و به شکلی خطرناک در بین جوانان رشد پیدا می‌کند و در سایه غفلت مسئولان، روز به روز شاهد هستیم که مافیا برای کسب پول بیشتر آهنگ‌هایی را روانه بازار می‌کنند، که خیلی از آن‌ها نه تنها چیزی برای گفتن ندارند؛ بلکه به برکت نرم‌افزار و برنامه‌ها سعی دارند تا خواننده‌ای را موجه نشان دهند و اصلاً اهمیتی را برای سواد و شعور موسیقایی مردم قائل نیستند.

در این وضعیت هرج و مرج، نقش ارشاد و صدا و سیما به عنوان نهادهای متولی فرهنگ باید به گونه‌ای باشد که با تولید آثار فاخر و متناسب با ارزش‌های جامعه، دست‌های پنهان مافیا را در انتشار هر آلبوم بی‌محتوایی ببندد و مردم را به سمت کارهای خوب سوق دهد.

وزارت ارشاد به عنوان نهاد مسئول در اعطای مجوز آلبوم موسیقی باید با بررسی هر چه بیشتر بر روی ملودی و شعرها کاری کند تا شاهد تولید هر اثر بی‌کیفیت و بدون محتوایی نباشیم. چیزی که چند وقتی است تحت عنوان موسیقی ترکیبی با کشورهای غربی مطرح می‌شود و در کارهای بعضی خواننده‌ها به چشم می‌خورد در حالی که کمی مطالعه بر موسیقی اصیل ایرانی می‌تواند به تولید آهنگ‌های پاپ با بهره‌گیری از موسیقی اصیل ایرانی کمک کند.

حتی بهره‌گیری از شعرهای ریتمیک بی‌محتوا که هیچ معنای خاصی ندارند هم باعث شده تا از اشعار کهن خودمان مثل حافظ و سعدی غافل شویم و با تأسف هر چه تمام‌تر باید گفت: حتی در سال‌های آینده از درک خواندن آن‌ها نیز بی‌بهره هستیم.

در این سال‌هایی که گذشت بعضی از نسل اولی‌های پاپ فوت شدند، عده‌ای مهاجرت کردند و عده‌ای هم سایه آن‌ها بر موسیقی ما سنگین شده و هر چند سال یک بار آهنگی را روانه بازار می‌کنند. این نسل که با قاطعیت باید آن‌ها را پیشگامان پاپ ایران بدانیم در این سال‌ها کم فروغ ظاهر شدند و گوشمان به شنیدن «بندهایی» خوش است که آلبوم‌های تولیدی آن‌ها چندان چنگی به دل نمی‌زند و مشتری‌های آن‌ها را فقط باید در میان بچه‌های دهه ۷۰ و ۸۰ بدانیم در حالی که طیف مخاطب نسل‌های گذشته پاپ ما علاوه بر نسل جوان در میان افراد مسن هم هوادار داشت.

موسیقی که برای گوش مردم ارزش قائل نیست

علاوه بر سبک پاپ در سال‌های اخیر موسیقی‌های وارداتی دیگری، چون «جاز»، «راک» و «رپ» نیز به کشور آمدند، که تقریباً هواداران خاص خودش را دارد، اما به علت ترویج مضامین غیر اخلاقی و بیان کلمات رکیک و تأکید بر روابط غیر اخلاقی، خیلی در محافل رسمی جایگاهی ندارد و بیشتر آن‌ها را باید در ماهواره، سایت‌های اینترنتی یا سی‌دی‌هایی که به صورت غیر مجاز منتشر می‌شوند، جستجو کرد.

با ورود این سبک جدید موسیقی که تقریباً از سال ۸۴ وارد کشور شد و خیلی سریع فضای کشور را فرا گرفت؛ شاهد شکل‌گیری استودیوهای زیر زمینی بودیم، که مثل قارچ رشد کردند و سالانه صدها نفر فرصت انتشار موزیک و ویدئو و کلیپ‌های خود را به صورت گسترده و سراسری پیدا کردند.

در این مسیر، سایت‌های اینترنتی فاقد مجوز هم به صورت روزانه به انتشار آهنگ افرادی می‌پردازد، که هیچ نام و نشانی ندارند و هیچ نهادی هم توان مقابله با آن‌ها را ندارد.

از طرف دیگر فعالیت استودیوهای زیر زمینی و حتی تبلیغات بسیار راحت آن‌ها در روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی بدون هیچ گونه برخوردی توسط نیروی انتظامی و وزارت ارشاد باعث شده تا شاهد تولید

ماندگاری آن کم نگذاشتند. خواننده‌هایی که حتی تا همین الان هم صدای آن‌ها برقرار است و حتی بعضی آلبوم‌های قدیم آن‌ها ماندگار و توسط مردم گوش داده می‌شود.

اکران‌های ماه مبارک رمضان

اکران‌های ماه مبارک رمضان با وجود اجرا شدن طرح‌های ویژه برای این ماه، گیشه سینما شرایط مطلوبی نداشت.



فیلم سینمایی «سامورائی در برلین» به کارگردانی مهدی نادری و تهیه ابوالفضل صفاری با درون مایه‌های کمدی با جذب ۶۵ هزار مخاطب به سینما و نمایش در ۸۹ سالن سینمایی در کشور، تاکنون ۷۱۳ میلیون تومان فروخته است.



«خانه دیگری» به کارگردانی بهنوش صادقی و تهیه‌کنندگی عباس اکبری تاکنون بعد از گذشت یک هفته اکران و نمایش در ۳۳ سینما در کشور، حدود ۲۵ میلیون تومان فروش داشته و توانسته دو هزار مخاطب را به خود جلب کند.



و تا پایان اردیبهشت فیلم سینمایی «به دنیا آمدن» به کارگردانی محسن عبدالوهاب و تهیه‌کنندگی محمد احمدی که از چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه با درجه‌بندی سنی بالای ۱۲ سال روی پرده رفته است، با داشتن بیش از ۲ هزار مخاطب و نمایش در ۳۸ سینما در تهران و شهرستان‌ها، ۲۷ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان فروش داشته است.



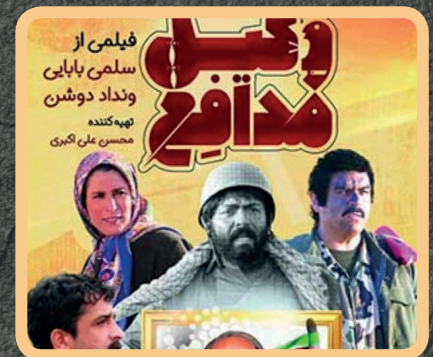
فیلم سینمایی «تگزاس ۲» به کارگردانی مسعود اطیابی و تهیه ابراهیم عامریان که اکران خود را پیش از ماه رمضان و از ۲۸ فروردین ماه آغاز کرده است. تاکنون بیش از ۹ و نیم میلیارد تومان فروش داشته و ۹۰۰ هزار نفر آن را در سینماها دیده‌اند. این فیلم تاکنون در ۱۵۶ سینما در کل کشور روی پرده رفته و نمایش داشته است.



«نبات» به کارگردانی پگاه ارضی و تهیه‌کنندگی هوشنگ نورالهی پس از گذشت یک هفته نمایش با حدود ۱۵ هزار مخاطب نزدیک به ۱۵۶ میلیون تومان فروش داشته است. این فیلم سینمایی تاکنون در ۵۷ سینما در تهران و شهرستان‌ها روی پرده رفته است.



فیلم «تولدت مبارک» به کارگردانی سمیه زارعی نژاد و تهیه‌کنندگی انسیه جهان آرا که برای گروه سنی کودک و نوجوان ساخته شده است، با یک هفته نمایش پنج میلیون و ۱۳۰ هزار تومان فروش داشته و به این ترتیب کم‌ترین میزان فروش را به در این ایام به خود اختصاص داده است. این فیلم تنها در ۱۲ سینما در کل کشور روی پرده است.



فیلم «وکیل مدافع» سلمی بابایی و ونداد دوشن با تهیه‌کنندگی محسن علی‌اکبری که یک طنز سیاسی است، که آن هم از چهارشنبه گذشته روی پرده رفته است، با اکران در ۳۴ سینما در کشور، حدود ۱۵ و نیم میلیون تومان فروخته است.



گفت و گو با علی حقیقی

شعر خوب مانند شیشه عطری در باز مانده است

استاد شفق در سفری که به کرمانشاه داشتند و مجموعه غم دوشنبه سال ۱۳۹۵ و سال ۱۳۹۶ را به طور کامل مشاهده کردند، گفتند که این مجموعه بری از تمام آفاتی که مقام معظم رهبری پیرامون هیئت و شعر هیئت برمی شمارند است.

علی حقیقی آفتابگردانی از خطه شاعران به نام کشور، کرمانشاه است. شهری که از گذشته تا امروز شاعران بسیاری در دامن پر مهرش پرورش یافته‌اند. او متولد ۳۰ خرداد سال ۱۳۷۲ و فارغ‌التحصیل رشته مهندسی معماری از دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه است.

عضو دوره ششم آفتابگردان‌ها است و نشان برتری بسیاری از کنگره‌ها و جشنواره‌های ادبی کشور نظیر همایش ادبی سوختگان وصل با عنوان در مدار ماه (مدافعان حرم)، کنگره ملی شعر کرامت، کنگره شعر حضرت زینب (س) (دو دوره)، کنگره شعر خانگی با موضوع ائمه بقیع (علیهم السلام) - دلجان، همایش منطقه‌ای شاعران اهل بیت (ع) - خرم آباد و دوره ادبی کلک خیال ویژه شعر آیینی - قم را در کارنامه خود دارد.

علی حقیقی که سرودن را با شعر آیینی آغاز کرده به همراه شاعری دیگر از سال ۱۳۹۴ محفل شعری را در کرمانشاه تشکیل داده که به طور تخصصی به نقد و بررسی شاعران جوان استان می‌پردازند. همچنین در تابستان ۱۳۹۷ یک دوره آموزش شعر برای نوجوانان مستعد کرمانشاهی برگزار کرده‌اند که قابل تحسین است. گفت و گو با این شاعر جوان را در ادامه می‌خوانیم:

ضمن عرض سلام، بفرمایید از کی شروع به سرودن شعر کردید و قدم به عرصه ادبیات گذاشتید؟

-سلام. از دوران راهنمایی با شرکت در مسابقات شعر دانش‌آموزی وارد دنیای شعر شدم. اولین شعری که سرودم یک مثنوی در مدح امیر المؤمنین (ع) بود که در سطح استان حائز مقام اول شعر دانش‌آموزی شد. همان سال در اردوی کشوری رامسر شرکت

کردم و با دنیاهای جدیدی در شعر آشنا شدم. در واقع آشنایی با اساتید و همچنین شاعران جوان کشوری، باعث شد که بفهمم چیز زیادی از دنیای شعر نمی‌دانم و باید مطالعه و تلاش بیشتری داشته باشم. البته هنوز هم در مورد خودم چنین نظری دارم و حس می‌کنم هنوز در ابتدای راه هستم.

از فضای شعری کرمانشاه بگویید. قبل از محفل شعر آینه‌داران، چه محافل ادبی در کرمانشاه وجود داشت؟

-همان طور که اهالی شعر می‌دانند کرمانشاه زادگاه شاعران بزرگی بوده است. از وحدت کرمانشاهی و لاهوتی گرفته تا احمد عزیزی و امین شیرزادی و محمد سعید میرزایی و خیلی دیگر از بزرگان. سال‌های اخیر هم انجمن‌ها و جلسات زیادی در کرمانشاه تشکیل شده، اما خب به دلایل مختلف در کرمانشاه یک انجمن قوی، شاخص و پرسابقه کم‌تر دیده می‌شود. اما قبل از محفل شعر آینه‌داران هیچ جلسه شعری که به شعر آیینی توجه ویژه داشته باشد، وجود نداشت.

یکی از ایده‌آل‌های ما این است که مفاهیم والای سبک زندگی که برگرفته از سیره اهل بیت علیهم السلام است را در انواع مختلف شعر از جمله اجتماعی، انتقادی و حتی عاشقانه پیاده کنیم. و خودمان خوب می‌دانیم مقدمه رسیدن به این هدف والا، این است که شاعر علاوه بر داشتن ذوق سلیم، صاحب نفس سلیم هم باشد و علاوه بر فن سرودن، از لحاظ معرفتی و اخلاقی هم خود را تقویت کرده باشد.

درباطه با چگونگی شکل‌گیری محفل آینه‌داران برآیمان بگویید.

-خب راستش فضای انجمن‌های کرمانشاه برای شاعر جوانی که دوست داشت در فضای آیینی هم حرفی برای گفتن داشته باشد، خیلی مناسب نبود. مثل غالب

انجمن‌های روزگار ما، اینجا هم می‌شد شاهد باندبازی و حواشی مختلف بود؛ چیزی که باعث می‌شد ترجیح ما بر این باشد که از این فضا فاصله بگیریم. به همین دلیل به فکر تشکیل یک جلسه شعر کوچک خانگی افتادیم که برای هم شعر بخوانیم و شعر همدیگر را نقد کنیم.

وقتی که حاج مهدی محمدی از من پرسید چند شاعر جوان آیینی می‌شناسی من جز محمد سجاد حیدری (از آفتابگردان‌های دوره ششم) کسی را نمی‌شناختم. با کلی پرس و جو و تحقیق و رفتن به دانشگاه‌ها و انجمن‌های مختلف، موفق شدیم یک جمع کوچک چهار پنج نفره از شاعران جوان تشکیل بدهیم. اولین جلسات ما هم در یک مؤسسه قرآنی برگزار می‌شد.

هدف محفل ما از همان روزهای اول که مصادف بود با ایام اربعین سال ۱۳۹۴، این بود که سطح شعرهای آیینی‌مان با نقدهایی که در جلسات صورت می‌گرفت، بالاتر برود. جلسات ما از همان اوایل تا به حال به صورت هفتگی و مستمر برگزار می‌شود. شاید مهم‌ترین ویژگی این جلسه جو صمیمی و دوستانه بین بچه‌ها باشد. تمام نقدها در عین رفاقت و دوستی مطرح می‌شود، به همین خاطر روز به روز به تعداد اعضای محفل و همچنین عمق رفاقت‌های اعضا افزوده می‌شود.

همچنین بعد از شرکت در اردوهای آفتابگردان‌ها و سفری که آقای عرفان پور به کرمانشاه داشتند، وارد فاز جدیدی از فعالیت شدیم و قید اختصاصاً آیینی را از محفل برداشتیم.

یعنی ایجاد محفل شعر آینه‌داران مربوط به قبل از عضویت شما در دوره‌های آفتابگردان‌ها است؟

-بله ما از سال ۱۳۹۴ محفل آینه‌داران را برگزار می‌کردیم و من عضو دوره ششم آفتابگردان‌ها هستم که آغاز آن در سال ۱۳۹۶ بود.

آینه‌داران در واقع یک محفل خودمانی و صمیمانه است که دو ویژگی مهم دارد. یکی این‌که همه اعضای آن جوان هستند.



دیگری هم این که همه دغدغه سرایش شعر سالم دارند. هم در خصوص شعر آیینی و هم شعر آزاد.

یکی از ایده‌آل‌های ما این است که مفاهیم والای سبک زندگی که برگرفته از سیره اهل بیت علیهم السلام است را در انواع مختلف شعر از جمله اجتماعی، انتقادی و حتی عاشقانه پیاده کنیم. و خودمان خوب می‌دانیم مقدمه رسیدن به این هدف والا، این است که شاعر علاوه بر داشتن ذوق سلیم، صاحب نفس سلیم هم باشد و علاوه بر فن سرودن، از لحاظ معرفتی و اخلاقی هم خود را تقویت کرده باشد.

به عبارتی می‌شود گفت برای ما «سیرت شاعر» بر «صورت شعر» تقدم دارد.

تمام تلاشمان هم بر این است که به سوی این هدف حرکت کنیم.

اگر بخواهم قضاوتی بی‌طرفانه داشته باشم، باید بگویم که اعضای محفل آینه‌داران طی سال‌هایی که در کنار هم هستیم، در این زمینه رشد خوبی داشته‌اند.

من همیشه به دوستانم می‌گویم که ما جوان هستیم، اما جویای نام نیستیم. تواضع و برادری بین دوستان من به معنای واقعی کلمه بی‌نظیر است. به عنوان مثال هر بار که دوستان ما از طرف شبکه استانی برای شعرخوانی در یکی از مناسب‌ها دعوت می‌شوند، معمولاً قبول نمی‌کنند و یکی دیگر از دوستان را معرفی می‌کنند. شخص دوم هم به همین ترتیب به شخص سوم و چهارم ارجاع می‌دهد. تا بالاخره یکی از دوستان با اکراه دعوت را می‌پذیرد. این نشان‌دهنده آن است که برای ما دیده شدن موضوعیت چندانی ندارد و معتقد هستیم که شعر خوب مثل شیشه عطری که درش باز باشد، خود به خود همه جا را معطر می‌کند و هیچ نیازی به تعریف و تبلیغ عطار ندارد.

فضای جلسات ما هم واقعاً یک فضای برادرانه و صمیمی است. همه اعضا موقع نقد شعر بقیه، به جای این که دنبال افاضه فضل و محکوم کردن شاعر باشند، به فکر این هستند که چطور می‌شود به بهتر شدن شعر دوستان کمک کنیم و سعی می‌کنند با پیشنهادهایی که دقیق، موشکافانه و البته دلسوزانه است ایرادهای شعر را برطرف کنند.

نحوه عضویت در محفل آینه‌داران به چه شکل است؟

خب محفل ما اساساً به جمع خصوصی است. البته نمی‌شود گفت که جمع ما به جمع بسته است؛ چون ما همه شاعران جوان آیینی شهر را دور هم جمع کرده‌ایم و مدام در حال رصد کردن هستیم و در صورت رویارویی با شاعری تازه کار او را به جلساتمان دعوت کنیم. البته مسئله چالش برانگیز ما در محفل آینه‌داران این بود که خیلی دوستان مراجعه‌کننده، دوست داشتند به جرگه شاعران بپیوندند، اما با مبانی شعر آشنایی نداشتند و هنوز

یکی از مهم‌ترین دلایل این تغییر رویکرد، راهنمایی آقای عرفان پور بود که گفتند حرف خودتان را فقط محدود به مخاطبان شعر آیینی نکنید. شاعر اگر در صراط مستقیم باشد، باید بتواند حرف حق خودش را در همه عرصه‌ها بزند.

آموزش‌های فنی لازم را ندیده بودند. به همین خاطر مدتی به صورت پراکنده کارهایی در زمینه آموزش مبانی شعر به این دوستان انجام دادیم اما اوایل سال ۱۳۹۷ به این نتیجه رسیدیم که به یک فعالیت سازماندهی شده و مدون در راستای شناسایی و آموزش شاعران کرمانشاه نیازمند هستیم. طی ساعت‌ها جلسه‌های همفکری که با دوستان داشتیم به ایده برگزاری یک دوره آموزش شعر تحت عنوان «آینه‌ها» رسیدیم. دوره آموزش شعر آینه‌ها در واقع ابتکار محفل شعر آینه‌داران برای شناسایی و آموزش شاعران نوجوان و علاقمند بود. ما در مرحله اول، با کمک اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی استان کرمانشاه، با حضور در تعدادی از مدارس

برگزیده شهر و ساعت‌ها گفت و گو با مربیان، معلم‌ها و خود دانش‌آموزان، اقدام به شناسایی دانش‌آموزان مستعد و توانمند کردیم. این شناسایی خیلی محدود و بدون هیچ گونه فراخوان عمومی بود، لذا انتظار نداشتیم که بیشتر از ده پانزده نفر را شناسایی کنیم؛ اما حدود ۳۰ دانش‌آموز مستعد به ما معرفی شدند و پس از مصاحبه حضوری، ۲۰ نفر از این دانش‌آموزان را برای شرکت در دوره انتخاب کردیم.

در همین حین، سرفصل‌ها و جزئیات آن چه که باید تدریس می‌شد و منابع و جزوات آموزشی را نیز مشخص کردیم و کار تدریس را هم به خود اعضای محفل واگذار کردیم، که طی یک فرصت دو سه ماهه منابع لازم را مطالعه کنند و با تسلط کافی به آموزش مباحث بپردازند.

به عنوان مثال خود بنده برای آموزش وزن شعر، حدود هفت منبع آموزشی را مطالعه کردم و در نهایت به یک روش ابداعی که مبتنی بر موسیقی بود و برای بچه‌های دوره جذابیت خاصی داشت، رسیدم.

آشنایی شما با فضای اردوهای آفتابگردان‌ها چه تأثیری بر محفل آموزشی آینه‌ها داشت؟

خب راستش ما برای برگزاری دوره آینه‌ها بر اساس هدفی که داشتیم برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دادیم و البته تا حد زیادی هم از اردوهای آفتابگردان‌ها الگو گرفتیم. مهم‌ترین ویژگی اردوهای ما این بود که در کنار آموزش، بحث تفریح و بازی و سرگرمی‌های آموزشی را هم مورد توجه قرار دادیم که به شکل‌گیری فضای رفاقت کمک کند. درست مثل اردوهای آفتابگردان‌ها.

البته فرق اساسی دوره آینه‌ها با آفتابگردان‌ها این است که آفتابگردان‌ها برای شاعران جوانی است که در سطح حرفه‌ای شعر می‌گویند و به یک تسلط نسبی در حیطه شعر رسیده‌اند؛ اما دوره آینه‌ها برای شاعران نوجوان تازه کاری است که در سطح مقدماتی هستند و نیاز به راهنمایی بیشتری دارند. در واقع دوره آینه‌ها یک پله قبل دوره آفتابگردان‌ها است.

در بین گفت و گو چندین بار اشاره کردید که در محفل آینه‌داران، اگر چه با شعر آیینی کار را شروع کردید اما الان به شعر به طور کلی با هر موضوعی می‌پردازید. علت این تغییر رویه چه بوده و چطور به این نتیجه رسیدید؟

شعر آیینی خانه اول ما است و معتقدیم هر خیر و برکتی که در زندگی ما بوده و هست، تأثیر قلم زدن برای حضرات آل الله ست. البته ما و دوستان هر کدام به صورت جداگانه در زمینه‌های دیگر هم طبع آزمایی کرده بودیم ولی در محفل فقط به نقد اشعار آیینی می‌پرداختیم.

اما بعد از مدتی حس کردیم که نیاز است در زمینه شعر آزاد از جمله شعر عاشقانه، شعر اجتماعی، شعر اعتراض، و حتی شعر طنز هم ورود داشته باشیم.

یکی از مهم‌ترین دلایل این تغییر رویکرد، راهنمایی آقای عرفان پور بود که گفتند حرف خودتان را فقط محدود به مخاطبان شعر آیینی نکنید. شاعر اگر در صراط مستقیم باشد، باید بتواند حرف حق خودش را در همه عرصه‌ها بزند.

ما هم برای این که کلاممان در مخاطبان بیشتری نفوذ داشته‌باشد و همچنین برای این که شاعران بیشتری را در جمع خودمان داشته باشیم، این تغییر رویکرد را انجام دادیم.

محفل ادبی آینه‌داران که آینه‌دار شعر آیینی است، تا به حال در زمینه شعر هیئت و سبک نویسی داشته است؟ خود شما چطور؟

خود بنده شخصا از روزهای اول سرودن شعر، تجربیاتی در زمینه اشعار سینه زنی داشتم چون علاوه بر این که از قدیم با فضای هیئت مانوس بودم، تطابق و

همانگی کلام و موسیقی برام بسیار جالب توجه بود.

یک سال قبل از تأسیس محفل هم با دو نفر از دوستان (محمد سجاد حیدری و غلامرضا عباسی) اولین تجربه کار تیمی‌مان را تجربه کردیم و یک پکیج شعر و سبک برای دهه محرم آماده کردیم.

اما از محرم ۱۳۹۵ بود که با تأسیس محفل، اولین مجموعه مدون شعر و سبک محرم با عنوان غم دوشنبه را تهیه و منتشر کردیم. روال کار به این صورت بود که از سه ماه قبل از محرم، برنامه ریزی انجام دادیم و طی دو ماه کار بسیار فشرده، مجموعه را نزدیک به یک ماه قبل از آغاز ماه محرم، در قالب لوح فشرده به تعدادی از مداحان استانی و کشوری عرضه کردیم. در این مدت، دوستان واقعا همت کردند و خیلی وقت گذاشتند.

ما علاوه بر زمانی که در خلوت خودمان به انتزاع سبک و شعر سرودن مشغول بودیم، تقریباً یک روز در میان دور هم جمع می‌شدیم. این جلسات معمولاً از نماز ظهر و عصر تا نماز مغرب و عشا طول می‌کشید چون نقد و بررسی‌ها کلمه به کلمه و با سختگیری هر چه تمام‌تر صورت می‌گرفت تا مجموعه کم‌ترین ایراد ممکن را داشته باشد.

به این نیز اشاره کنم که علاوه بر شعرها، تمامی سبک‌ها هم توسط تعدادی از اعضای محفل که دستی در این زمینه دارند تهیه می‌شود.

ما تا امسال سه مجموعه را با عنوان غم دوشنبه ۹۵، ۹۶ و ۹۷ تهیه و توزیع کردیم. این مجموعه در تعداد محدود و در قالب کتابچه به همراه لوح فشرده عرضه شده است.

شکر خدا اساتید بزرگوار زیادی از جمله استاد شفق، حاج سعید حدادیان، حاج محمد صمیمی، آقای عرفان پور، آقای سیار، آقای جهاندار و برخی عزیزان دیگر، به ما لطف داشتند و کیفیت کار را در سطح بالایی ارزیابی کردند.

استاد شفق در سفری که به کرمانشاه داشتند و مجموعه غم دوشنبه سال ۹۵ و سال ۹۶ را به طور کامل مشاهده کردند، گفتند که این مجموعه بری از تمام آفاتی که مقام معظم رهبری پیرامون هیئت و شعر هیئت برمی‌شمرند است.





همچنین حاج سعید حدادیان در اردوی نوحه شهرستان ادب که تابستان امسال در مشهد برگزار شد، گفتند که این مجموعه از نوادر است و اگر ما ده تا از این نوع مجموعه‌ها می‌داشتیم، دیگر در شعر هیئت‌مان مشکلی نبود.

البته ما در سراسر کشور دوستانی داریم که به طور جدی مشغول فعالیت هستند و تولیدات بسیار فاخری دارند. از جمله جواز نوکری، حلقه ریان و تعداد زیادی از دوستان که به صورت انفرادی در خیلی از استان‌ها مشغول کار هستند.

الحمدلله با برگزاری اردوی نوحه شهرستان ادب اتفاقات خوبی در زمینه نوحه افتاد که به لطف خدا ادامه‌دار هم خواهد بود.

شیوه‌ای که ما در دوره آموزشی آینه‌ها اجرا کردیم، یک شیوه کارآمد برای شناسایی و آموزش نوجوانان علاقمند به شعر است که اگر برای سایر شهرها و استان‌ها هم بومی سازی شود و به طور مستمر اجرا گردد، مسلماً تحول چشمگیری در عرصه شعر جوان کشور اتفاق می‌افتد.

شاید جالب باشد بدانید که ما این دوره سه ماهه را با کمترین هزینه ممکن برگزار کردیم. در طول این سه ماه، اجرای مراسم افتتاحیه با حضور والدین، برگزاری اردوهای آموزشی، اهدای کتاب‌های شعر و کتب آموزشی از جمله تار و پود، برگزاری کلاس‌ها، پخش فیلم، مستند سازی، امور اجرایی، تزئینات و پذیرایی و ... با کم‌ترین هزینه ممکن انجام شد. البته حوزه هنری و سازمان فضای مجازی سراج استان کرمانشاه هم ما را در این زمینه یاری کردند.

همچنین تعدادی از بزرگواران و اساتید ما در مؤسسه شهرستان ادب از جمله آقای عرفان پور، آقای اردستانی و آقای سیار

حاج سعید حدادیان در اردوی نوحه شهرستان ادب که تابستان امسال در مشهد برگزار شد، گفتند که این مجموعه از نوادر است و اگر ما ده تا از این نوع مجموعه‌ها می‌داشتیم، دیگر در شعر هیئت‌مان مشکلی نبود.

پشتیبان و حامی معنوی ما بودند، که به طور مداوم از مشاوره‌های این عزیزان بهره می‌بردیم. از این بزرگواران و سایر عزیزانی که به ما کمک کردند کمال تشکر را دارم. من دوره آفتابگردان‌ها را موفق‌ترین و

مؤثرترین مجموعه آموزشی شعر در کشور می‌دانم.

راه بازگشت به قرآن چیست؟

هم افراد و هم مسئولان فرهنگی، مذهبی و سیاسی باید چنین ضرورتی را در خود احساس کنند. به عنوان نمونه در صداوسیما شبکه‌ای تحت عنوان شبکه قرآن داریم که خیلی خوب و مفید است اما این شبکه چند درصد به لایه‌های ظاهری قرآن مثل حفظ و صوت توجه دارد و چند درصد به تدبیر در آن؟ چقدر به بررسی آیات اجتماعی و فردی قرآن که در حقیقت نسخه شفای دردهای امروز جامعه ماست توجه داریم؟ اگر بخواهیم اقدام عملی کنیم، صداوسیما و مبلغان مذهبی باید در قرآن بیشتر تدبیر کنند و آن را محور فعالیت‌های خود قرار دهند؛ به قرائت و تکرار سخنان دیگران بسنده نشود. مراجعه کردن به تفاسیر گذشته خوب است اما باید به نیازهای عصر خودمان با نگاه دوباره و نوین در آیات قرآن توجه کنیم. به عبارت دیگر در هر عصری نیازمند تفسیری مناسب با عصر و شرایط زمان هستیم. حدود نیم قرن از تفسیر المیزان می‌گذرد اما هنوز تفسیری نداریم که همانند آن تفسیر بخواهد بر جامعه علمی و اجتماع مسلمانان اثرگذار باشد.

هر نکته، حرف و سخنی دارید.

-یقیناً اگر توجه بیشتری به مجموعه‌های خودجوش و مردمی مثل محفل شعر آینه‌داران بشود، انگیزه ما برای فعالیت چندین برابر خواهد شد.

دوره آموزشی آینه‌ها قرار است که هر سال تابستان برگزار شود، ولی ما برای تداوم برگزاری این دوره در سال‌های آینده نگران هستیم.

اگر حمایت خوبی از این کار صورت نگیرد، متأسفانه مثل خیلی طرح‌های خوب دیگر که به علت عدم حمایت روی زمین می‌مانند، تعطیل خواهد شد.

ما علمی را در شهر خودمان بلند کردیم، که سالیان سال روی زمین مانده بود. ما می‌دانیم که بار مسئولیت ما روز به روز سنگین تر می‌شود، لذا برای استمرار این حرکت، به انگیزه و انرژی بیشتری نیاز داریم.

در این مسیر همیشه توکل ما به خدا و توسل ما به حضرات اهل بیت (ع) بوده که ان شالله حامی همیشگی ما خواهند بود.



شعر...

کسی که مست شد از خوشه‌های تاک ضریحت
دگر نیاز به میخانه و شراب ندارد
به شوق کعبه هر آن کس به زادگاه تو آمد
به جز طواف علی حق انتخاب ندارد
بعید نیست که مشرک شوند عابد و زاهد
صفات مشترکت با خدا، حساب ندارد
دلیل خلق جهان را بپرس تا که بگویم
که این سؤال به غیر از علی جواب ندارد

○ شاعر علی حقیقی

توجه به رونق تولید پرتاب یک تیر به صد هدف است

○ نسیم اسدیپور

رشد، رشد درون‌زا می‌شود و هیچ اتکا و نیازی به وصل به عناصر خارجی نخواهد داشت. در واقع این انسان است که در اقتصاد، جوهره وجودش شکوفا می‌شود، بنابراین اگر در اقتصاد به خودش اتکا کند، به تناسب شکوفایی جوهره وجودی انسان، اقتصاد هم شکوفا می‌شود.

بنابراین توجه به رونق تولید می‌تواند ما را به اهداف اقتصادی خود نزدیک کند، آن هم بدون نیاز به دیگران؟

-بله، توجه به رونق تولید داخلی یک تیر به صد هدف است و به صد هدف می‌خورد. وقتی می‌گوییم توجه به تولید داخلی، عملاً داریم می‌گوییم که با این کار برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد خانوارها، کاستن بزه‌های اجتماعی، تخلفات اجتماعی و ثمردهای اجتماعی به خصوص در سنین جوانی داریم شرایطی را فراهم می‌کنیم که این ناملایمات کاسته شود. عملاً الگوی مصرف را با دست خودمان اصلاح می‌کنیم، زیرا اگر حجم بازار که حجم محدودی است، پر از کالاهای داخلی شود، عملاً وقتی مشتری در بازار سرکشی و گردش می‌کند، چیزی جز جنس داخلی نمی‌بیند و لذا تشویق و ترغیب می‌شود و جنس داخلی خریداری می‌کند و عملاً با یک تیر صد نشان می‌زنیم و بسیاری از شرایط را فراهم می‌کنیم.

وقتی ما رونق تولید را هدف قرار می‌دهیم، در واقع موتور محرک اقتصاد را به حرکت می‌داریم و می‌توانیم شرایط بهبودی را در تمام زمینه‌ها و شاخص‌های اقتصادی برای خودمان پیش‌رو داشته باشیم.

وظیفه هر کس برای تحقق این شعار چیست؟

-برای رونق تولید داخلی هم حاکمیت و هم مردم موظف هستند. مردم موظف هستند که دست به اصلاح الگوی مصرف‌شان بزنند، باید چشم‌شان را بر مصرف کالاهای خارجی ببندند. اصلاح الگوی مصرف عملاً با خودش تبعات بسیار مثبتی دارد، هر

مسائل اقتصادی زاینده رفتار انسان هستند، اگر ما به مصداق آن استعدادها و درونی انسان، که در علم اخلاق و روانشناسی اسلامی هم به آن توجه می‌شود، دقت کنیم، وقتی انسان در محممه واقع می‌شود و در تنگنا و مضیقه قرار می‌گیرد، اگر به خود اتکا کند و استعدادهای درونی خودش را باور کند، جوهره وجودش شکوفا می‌شود. این توجه دادن امام خامنه‌ای به رونق تولید داخلی، توجه به این اصل اساسی نفسانی انسان است که انسان وقتی در شرایط سخت قرار می‌گیرد، آن زمان جوهره وجودش واقعا شکوفا می‌شود.

می‌توانیم بسیار ساده مثال بزنیم، مثلاً در صنایع نظامی، نانو، سلول‌های بنیادی و انرژی هسته‌ای چون در محممه بودیم و در تنگنا قرار داشتیم و با تمام استعدادهای دشمن در محاصره اقتصادی قرار گرفتیم، عملاً می‌بینیم در آنجا بیشتر شکوفا شدیم. یک دلیل آن شکوفا شدن جوهره وجود انسان در شرایط تنگی و سختی است. دلیل دیگر آن به نصب مدیران جهادی برمی‌گردد که این نتایج و دستاوردها را عاید ما کرده است.

در اقتصاد هم همین‌طور است، اگر ما به استعدادها و درونی اقتصاد توجه کنیم،

مقام معظم رهبری امسال را رونق تولید نامیدند، تا در شرایط جنگ اقتصادی بیش از پیش توجه همه را به ضرورت استحکام ساختارهای درونی اقتصاد کشور جلب کنند، عبدالمجید شیخی، استاد و اقتصاددان در این رابطه و در گفت و گو با ما به بررسی اهمیت این شعار و راه‌های تحقق آن و نیز موانع رونق تولید پرداخته است. شرح گفت و گو در ادامه می‌آید:

به نظر شما چرا مقام معظم رهبری شعار امسال را «رونق تولید» نامیدند؟ رونق تولید تا چه حد می‌تواند اقتصاد بیمارمان را بهبود ببخشد؟

-ما در موقعیت جنگ اقتصادی واقع شده‌ایم. دشمن تمام حیل و خیل (این اصطلاحی است که امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید: **أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حَزْبَهُ، وَ اسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ...**) و تمام عده و عده خودش را جمع کرده است. در حال حاضر واقعا آمریکا و اذنباش به سیم آخر زده‌اند. در این شرایط اگر ما همچنان به آن طرف آب‌ها و مرزها امیدوار باشیم، عملاً یک خسران بزرگی است، لذا بایستی به استعدادها و امکانات داخلی خودمان توجه کنیم.



کسی که کالای داخلی مصرف کند، در واقع ضمانت می‌کند که فرزندش ولو فرزند فرزندان در آینده برای خودشان شغلی ایجاد کنند و این خانوار با مصرف کالای داخلی دارد، عملاً برای جوانان و فرزندان خودش شغل ایجاد می‌کند.

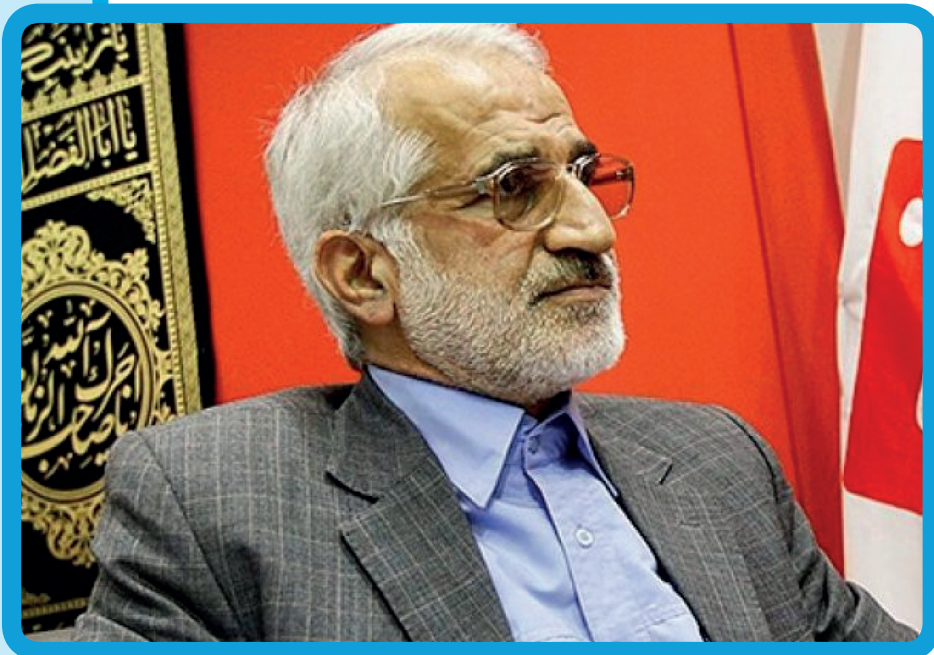
دولت چه وظایفی دارد و با چه راه‌حلهایی می‌تواند در جهت رونق تولید گام بردارد؟

-حاکمیت چند وظیفه دارد، ابتدا باید در راه سوی واردات کالاهای خارجی که حتی استعداد فکری‌اش و استعداد تولید فناوری و قالب‌بندی و قالب‌گیری تهیه و تولیدش در کشور وجود دارد، ببیند و این نوع کالاها هرگز نباید از خارج وارد شود. دیگر این که تمام نقدینگی کشور باید متوجه بخش حقیقی اقتصاد شود. در این بین بانک مرکزی و شبکه بانکی موظف هستند تمام دارایی‌ها و بدهی‌های خودشان را صرف رونق تولید داخلی کنند، در واقع با عقود مشارکتی مدنی و حقوقی و سایر عقود، به بدنه بخش حقیقی اقتصاد مانند صنعت، کشاورزی، خدمات و خدمات فنی تسهیلات تزریق کنند و این منابع را در جهت خودکفایی و خوداتکایی کشور تأمین کنند.

یکی دیگر از وظایف حاکمیت این است، که دولت از ایجاد تشکلهای جدید اقتصادی حمایت همه جانبه داشته باشد و این تشکلهای بتوانند با فعالیتهای خودشان هم شغل ایجاد کنند و هم خلاهای کمبود کالاهای داخلی را پر کنند.

از وظایف دولت، کمک و حمایت از انتقال فناوری، اصلاح روش‌های تولید و نوآوری و تولیدات و تشکلهای اقتصادی است.

اقدام دیگر، بحث فرار مالیاتی است، دولت برای تأمین منابع مالی‌اش هیچ نیازی به فروش نفت خام ندارد، کافی است از فرار مالیاتی جلوگیری کند. حجم فرار مالیاتی به قدری است که بیش از دو برابر درآمد



ارزی نفت می‌تواند برای دولت عایدی داشته باشد.

متأسفانه پایه‌های مالیاتی محدود و شبکه اخذ مالیات ما در واقع مسلول و فشل است، بایستی تقویت و اصلاح شود، این شیوه خوداظهاری یک شیوه غلطی است، باید کربن‌کینگ ایجاد کند، نگاه یکپارچه اطلاعات شبکه بانکی برای مشتریان ایجاد شود تا نقل و انتقالات نقدینگی به راحتی شناسایی شود و مالیات اخذ شود.

در بسیاری از فعالیتهای از جمله خدمات پزشکان، دلالی، سفته‌بازی، فعالیتهای خدماتی، بازرگانی، حتی ورزشکاران

متأسفانه مالیات پرداخت نمی‌شود و در حق مردم اجحاف شده و حقوق مردم ضایع می‌شود. دولت بایستی این‌ها را با شفاف سازی و ایجاد یک بانک یکپارچه اطلاعات مؤدیان مالیاتی شفاف سازی کند، (چه مؤدیان بالقوه و چه مؤدیان بالفعل) و مالیاتی را که تا الان در آن فرار وجود داشته، اخذ کند.

یکی دیگر از اقدامات دولت این است که باید به خام‌فروشی نفت و گاز خاتمه دهد. نفت یک برکت، عنایت و نعمت ویژه الهی است. برخلاف آن آدم‌های ناشکر و کفاری که روی حقیقت پا می‌گذارند، نفت بلای جان ما نیست، مدیریت اقتصادی ما بلای جان ما است.

باید خام‌فروشی خاتمه پیدا کند و صادرات صنایع فرآوری فرآورده‌های نفت در دستور کارمان قرار گیرد تا ارزش افزوده نصیب کشور ما شود.



اگر با خیال راحت شام می‌خوردی کافر بودی!



آورده‌اند که فقیه و عالم بزرگ، «سید محمد جواد حسینی عاملی»، مؤلف کتاب «مفتاح الکرامه»، شبی از شب‌ها در خانه خویش در نجف مشغول شام خوردن بوده است. کسی در خانه را می‌گوید. سید می‌شناسد که کوبنده در، خادم استادش «علامه بحر العلوم» است. بشتاب می‌رود و در را باز می‌کند. خادم می‌گوید: «شام بحر العلوم را نزد او گذاشته‌اند، او نمی‌خورد و منتظر شما است». سید جواد عاملی بتعجیل به خانه بحر العلوم می‌رود، همین که وارد می‌شود و چشم جناب بحر العلوم به او می‌افتد فریاد می‌زند: «آیا از خدا نمی‌ترسی؟ آیا خدا را مراقب خود و اعمال خود نمی‌دانی، از خدا شرم نمی‌کنی؟»

۳۶

– آقا چه روی داده است؟
 – می‌خواستی چه روی بدهد؟ مردی بی‌بضاعت در همسایگی تو زندگی می‌کند، او تاکنون هر شبانه روز مقداری خرما می‌زاهدی از بقال محل نسیه می‌گرفت و با عیال خود، با آن خرما، گذران می‌کرد. و جز این تمکینی نداشت. حالا یک هفته است که خانواده او جز خرما چیزی نخورده‌اند. امروز مرد به بقال رجوع می‌کند تا از همان خرما برای خوراک شب خود و خانواده‌اش بگیرد. بقال می‌گوید: «قرض تو زیاد شده است». مرد خجالت کشیده، چیزی نمی‌گیرد و به خانه باز می‌گردد. اکنون او و خانواده‌اش گرسنه‌اند و بی‌شام هستند. با این وضع، تو سرگرم شام خوردن بودی؟ در حالی که این مرد، همسایه تو است و تو او را می‌شناسی، فلانی است.

– آقا! والله از حال او اطلاع نداشتیم.
 بحر العلوم می‌گوید:
 – اطلاع نداشتی؟ چطور اطلاع نداشتی؟ همه خشم من از همین جا است. چرا از حال برادران و همسایگان بی‌خبر بمانی و از حال و روز آنان جويا نشوی و آگاه نگردی؟ سید جواد! اگر از حال این مرد بینوا مطلع بودی و این گونه با خیال راحت به خوردن شام مشغول شده بودی، کافر بودی، و دیگر تو را مسلمان به حساب نمی‌آوردم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ای سدیرا هر چه مال و ثروت کسی بیشتر شود، بار مسئولیت او نزد خدای متعال سنگین‌تر می‌شود. پس تا می‌توانی خود را از این بار سنگین آسوده کنی! سدید پرسید: ای پسر پیامبر، چگونه؟ فرمود: به این که با اموال و امکانات خود نیازها و احتیاجات برادران را بر آورده و بر طرف کنی.

شعار سال تنها اقتصادی نیست



هر سال بعد از گذر از فروردین و تا حدودی دومین ماه سال اندک اندک در همه سطوح از اولین چیزهایی که به فراموشی سپرده می‌شود، شعار سال است و به پایان اردیبهشت که می‌رسیم تقریباً دیگر خبری از برنامه‌های تحلیلی، ارزیابی عملکردها و مهم‌تر از همه برنامه‌ریزی‌های اجرایی مرتبط با شعار سال نیست.

این در حالی است که فلسفه شعار سال پیگیری مستمر و همه جانبه مهم‌ترین اولویت نظام برای لاقط یک سال در قالب یک هدف مشترک و در راستای جهت دادن به فعالیت‌های جمعی و حتی فردی جامعه است. مخصوصاً در سال‌های اخیر که همه شعارهای سال اقتصادی بوده و می‌بینیم که دشمن هم به وضوح در حوزه اقتصاد آرایش نظامی به خود گرفته و معیشت مردم را هدف آماج حملات ناجوانمردانه قرار داده است.

در این میان تحلیل‌ها و گاه‌ها سوء استفاده‌های عملی از این شعارها به چشم می‌خورد که در پس همه آن‌ها تأکید فراوان بر اقتصادی بودن این شعارها جهت به اثبات رساندن اهمیت حمایت از فعالیت‌های اقتصادی باشد که بلافاصله با نقد عملکرد سیستم پولی و مالی کشور و همچنین ضعف‌های دولت‌ها در این عرصه همراه شده و سپس راهکارهایی مانده تأمین سرمایه در گردش کارخانه‌ها و شرکت‌های صنعتی بزرگ و متوسط از طریق تسهیل پرداخت وام‌های با سود پایین و مدت بازپرداخت بالا، راه اندازی شرکت‌های کوچک و متوسط، اعمال معافیت‌های مالیاتی و بخشش جرائم دیرکرد پرداخت دیون شرکت‌ها، کاهش حجم نقدینگی عمومی و ده‌ها پیشنهاد این چنینی ارائه می‌شوند.

به نظر نمی‌رسد این نوع نگاه بی‌راه و کاملاً غلط باشد، اما قطعاً تقلیل دادن موضوع مورد بحث است.

اگر به شعار امسال نیز مثل شعار سال قبل و سال‌های قبل بیشتر دقت کنیم در می‌یابیم که این شعارها اصلاً یک شعار صرفاً اقتصادی نیستند.

به عنوان مثال در خصوص شعار سال گذشته و از دیدگاه اقتصاد، هر فرد یا

گروهی باید منافع خود را اصل قرار داده و بر اساس مزیت‌های یک کالا و با توجه به نیاز و سرمایه خود خرید کند.

اگر این نگاه را داشته باشیم به طبع خرید بسیاری از کالاهای ایرانی غیر اقتصادی خواهد بود.

لذا خرید کالای ایرانی به نیت حمایت از تولید داخلی نه یک حرکت اقتصادی که یک حرکت فرهنگی یا از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی قابل توجیه خواهد بود. از طرفی تقلیل دادن واژه حمایت به خرید هم خیلی ساده‌انگارانه یا لاقط ناقص است. به نظر می‌رسد آنچه در حمایت از کالای ایرانی باید انجام داد در گام اصلی و ابتدایی، تغییر باور عمومی مبنی بر بی‌کیفیت بودن کالای ایرانی است.

این تغییر در گام نخست به عزم تولیدکنندگان و مسئولان بازرسی و کنترل کیفیت محصولات تولید داخل و به موازات آن فرهنگ سازی و ایجاد تغییر در نگرش مردم نیاز دارد.

اینجا نقش شعار سال جدید در عرصه فرهنگ هویدا شده و می‌توان این شعار را نیز دقیق‌تر بررسی کرد.

رونق تولید به معنای تلاش همه جانبه همه اقدار جامعه در راستای افزایش کمیت و کیفیت تولیدات داخلی است. از طرفی این رونق بدون مصرف کالاهای تولید شده در داخل که به معنای افزایش تقاضا و تأمین بازار فروش این محصولات است محقق نمی‌شود.

خوب می‌دانیم که عمده صنایع و تولیدات داخلی بالاخص در عرصه‌های تکنولوژیکی با محصولات مشابه خارجی فاصله زیادی داشته و به شکل اقتصادی قابلیت رقابت بالایی ندارند.

لذا این شعارها با نگاه اقتصادی قابل تحقق نبوده و حرکت به سمت تحقق آن‌ها مستلزم رشد فرهنگ عمومی و یک عزم ملی است.

در این میان نقش تولیدکنندگان و داشتن همین نگاه فرهنگی و ملی به مسئله تولید و عدم سوء استفاده از اعتماد و حمایت مردم نیز بسیار پر اهمیت است. در این سال‌ها تولیدکنندگان نیز باید به سودهای اندک و ارتقاء سریع کیفیت و یافتن راه‌هایی برای

کاهش قیمت ببیندند و منطق مدیریت خود را تغییر دهند.

اگر چه پیشنهادها و استراتژی‌های اقتصادی هم باید هم‌زمان با فرهنگ سازی در نظر گرفته شوند و به نسبت گذشته با مدیریت و همت مجاهدانه‌ای پیش بروند؛ اما در نهایت آنچه می‌تواند ضامن تحقق این شعارها باشد، همان داشتن نگاه فرهنگی و استراتژیک عموم جامعه به مسئله اقتصاد در کشور است.

به عنوان مثال وقتی در بازار هم جنس کم کیفیت و با قیمت بسیار ارزان وجود دارد و هم جنس باکیفیت و قیمت گران، یکی از استراتژی‌های منطقی که به ذهن می‌رسد می‌تواند تولید محصولات با کیفیت متوسط و قیمت متوسط باشد.

در این میان نقش نهادهای نظارتی هم بسیار پر اهمیت است.

این امر نیز از دو جهت اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی است. قطع دست رانت‌خواران و سواستفاده‌گران از شرایط غیر معمول اقتصاد ایران علاوه بر بالا بردن اطمینان به پارامترهای اقتصادی می‌تواند بر انگیزه‌ها و فضای ذهنی جامعه اثر مثبت داشته و نقش تسهیل‌گری جدی در تحقق رونق تولید ملی در سال پیش رو ایفا نماید.

برای همین است که شعار رونق تولید یک شعار فرهنگی است، که برای تحقق آن مردم باید کالای ایرانی مصرف کنند، تولیدکننده‌ها باید کیفیت خود را افزایش داده و به سود حداقلی راضی شوند، دولت‌ها و ساز و کار قانون‌گذاری باید موانع تولید را برطرف کنند و در نهایت نهادهای نظارتی باید مانع بروز فساد و رانت‌خواری شده و سلامت اقتصاد را تأمین نمایند تا این زنجیره فرهنگی و اقتصادی شکل بگیرد، نمی‌توانیم به فراهم شدن شرایط برای به رونق افتادن تولید در کشور امید داشته باشیم.

رحمت خدا بر
محکم کارها



همه بایستی، همه همت‌شان را در بخش‌های مختلف و گوناگون برای مسئله تولید صرف کنند. این البته لوازمی دارد؛ هم سرمایه‌گذار، هم کارگر، هم مصرف‌کننده، هم دستگاه‌های متولی دولتی، همه وظایفی دارند؛ این یک‌بعدی نیست؛ همه بایست با هم همکاری کنند. این که می‌گوییم همدلی و هم‌زبانی مردم با دولت، معنایش این است؛ یعنی همه با هم همکاری کنند تا این سنگ بزرگ را بردارند، این صخره بزرگ را از سر راه حرکت کشور بردارند. سرمایه‌گذار و کسانی که امکان دارند، بایستی سرمایه‌گذاری کنند. بنده می‌شناختم افرادی را که می‌توانستند پولشان را ببرند در بخش‌های پردرآمدی که غیر تولیدی است صرف کنند، نکردند؛ گفتند نمی‌کنیم؛ می‌خواهیم به کشور خدمت کنیم؛ آمدند در تولید سرمایه‌گذاری کردند، با سود کمتر، درآمد کمتر؛ برای خاطر این که فهمیدند کشور احتیاج دارد؛ خب، این عبادت است. سرمایه‌گذاری که فکر نیاز کشور را می‌کند و پول را نمی‌برد در راه دلالتی و کارهای پردرآمد و مضر برای کشور صرف کند و می‌آید در سرمایه‌گذاری صرف می‌کند، این کارش حسنه است، بنابراین سرمایه‌گذار نقش دارد.

کارگر درست‌کار نقش دارد. کارگری که سختی‌های کار را تحمل می‌کند - کار سخت است دیگر؛ کار جسمانی یکی از امور سخت در زندگی است - کارگری که عمر خود را، وقت خود را، نیروی خود را صرف می‌کند تا کار را تمیز از آب در بیاورد، دارد عبادت می‌کند؛ این حسنه است. من مکرر در این دیدارهای با شما عزیزان، این روایت را از قول پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌ام که: رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَاتَّقَنَهُ؛ (۱) رحمت خدا بر آن آدمی که کاری را که انجام می‌دهد، محکم‌کاری می‌کند؛ چه در کار صنعتی، چه در کار کشاورزی، چه در مسائل گوناگون کارگری؛ وقتی کار متقن و محکم‌کاری شد، محصول تمیز از آب درمی‌آید، محکم از آب درمی‌آید. این هم نقش کارگر است، این هم عبادت می‌شود.

مصرف‌کننده با انصاف، مصرف‌کننده با وجدان هم می‌تواند همین جور به تولید کشور کمک کند؛ دنبال اسم و رسم نرود، دنبال برند نرود - این حرفی که حالا مرتب تکرار می‌کنند: برند، برند - دنبال مارک نرود؛ دنبال مصلحت نرود. مصلحت کشور، مصرف تولید داخلی است، کمک به کارگر ایرانی است.

(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴)



میدان ورزش، عرصه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ریخته شده است، خون‌هایی که در انقلاب اسلامی، در جریان دفاع مقدس و امروز در جریان دفاع از حریم آل‌الله تقدیم انقلاب می‌شود تا ما با خیال راحت و بدون دغدغه در امنیت کامل به تماشای دربی بنشینیم. ارج نهادن به تلاش‌ها و مجاهدت‌های این رزمندگان چیزی نیست که تنها به همین جا ختم شود، جامعه ورزش به عنوان پیشقراول این اقدام می‌تواند الگوی مناسبی برای بقیه باشد، ترویج روحیه شهادت و ایثار در جامعه و قدردانی از زحمات رزمندگان خط اول مبارزه با استکبار و صهیونیست مسئله‌ای است که باید در تار و پود جامعه تنیده شود، اتفاقی که از ورزش شروع شده و به طور حتم در جامعه منتشر می‌شود. ما به هیچ عنوان حق نداریم که فراموش کنیم چه راه سختی را پشت سر گذاشته‌ایم و چه مسیر دشواری را پیش رو داریم و این محقق نمی‌شود مگر با زنده نگه داشتن نام و یاد شهدا و فرهنگ شهادت و این نیز میسر نمی‌شود جز به اینکه روح این فرهنگ و یاد این شهدا و مجاهدان در مویزهای جامعه ساری و جاری باشد. ورزش ایران و ورزشکار ایرانی این مهم را به خوبی شروع کرده و ادامه می‌دهد تا الگوی مناسبی برابر سایر بخش‌های جامعه اسلامی ایران باشد.

حتی حرف‌ها و اظهارنظرهایی در سطح جامعه شنیده می‌شود که فقط باید سر را به علامت تأسف بابت آنها تکان داد.

جامعه ورزش ایران اما در این میان تفاوتی آشکار با بقیه دارد، ورزشکاران ایران اسلامی به رغم تمامی حواشی و معضلاتی که با آن درگیر هستند به لحاظ آنچه روح پهلوانی در ورزش تعریف می‌شود خود را نزدیک‌تر از هر قشری به زحمت‌کشان واقعی انقلاب و مجاهدان و مبارزان راه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن می‌بینند. اتفاقی که در جریان دربی ۸۲ پایتخت روی داد از همین دست اتفاقات بود که البته تا پیش از این نیز کم نبوده و بعد از این هم به طور حتم اتفاق خواهد افتاد.

ورزشکاران ایرانی با نشان دادن تصاویر شهدا در رقابت‌های گوناگون حامل این پیام اند که قدردان جانفشانی‌ها و مجاهدت‌های این عزیزان هستند، این ورزشکاران با نشان دادن تصاویر شهدا در برابر چشم میلیون‌ها بیننده تلویزیونی یادآور می‌شوند که امنیت و اقتدار نظام اسلامی ایران مرهون خون‌های پاک است که طی نزدیک به چهار دهه به پای درخت انقلاب اسلامی

ترویج روحیه شهادت و ایثار در جامعه و قدردانی از زحمات رزمندگان خط اول مبارزه با استکبار و صهیونیست مسئله‌ای است که باید در تار و پود جامعه تنیده شود، اتفاقی که از ورزش شروع شده و به طور حتم در جامعه منتشر می‌شود.

حفظ ارزش‌های نظام اسلامی و حرمت نهادن به آنها، فراموش نکردن راه سخت و دشواری که تاکنون برای به ثمر نشاندن انقلاب و حفظ دستاوردهای آن طی شده جزو دغدغه‌های اصلی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری بوده و هست. حضرت امام (ره) در جمله‌ای خطاب به مردم در خصوص ارج نهادن به مقام رزمندگان و شهدا فرمودند: «نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره به فراموشی سپرده شوند» رهبر معظم انقلاب نیز بارها و بارها در دیدارها و صحبت‌های خود به حفظ این ارزش‌ها تأکید کرده‌اند. زندگی ماشینی امروز و قرار گرفتن در معرض هجوم اطلاعات و پیشرفت‌ها و مدرنیته البته بسیاری را نسبت به این رهنمودها سست و بی‌خیال کرده است تا جایی که متأسفانه





علیرضا کریمی قهرمان عرصه ورزش و ایثار

اهتزاز در آمدن پرچم سه رنگ کشورمان شود.

این کشتی گیر جوان ایران نه تنها در میدان ورزش بلکه در میدان ایثار و اخلاق هم قهرمان است.

علیرضا کریمی جوان در ۲ رویداد جهانی و در حالی که به کسب مدال طلا و قهرمانی جهان نزدیک بود با عدم رویارویی مقابل حریفان رژیم غاصب صهیونیستی ضمن اعلام به رسمیت نشناختن اسرائیل با حمایت از مردم مظلوم فلسطین مدال خوش رنگ اخلاق را برای خود برگزید.

جوانان ورزشکار ایرانی مانند علیرضا کریمی با ایثار و از خودگذشتگی برای حفظ ارزش های انسانی و اسلامی پیروزی در دنیای اخلاق را بر پیروزی در دنیای ورزش ترجیح داده و از حق خود گذشته تا حق مظلومان را استیفا کنند.

در کرج، تحصیلکرده رشته مدیریت در دانشگاه آزاد شهریار با پدر و مادری اهل روستایی در رودسر استان گیلان و یک خواهر کوچکتر، کشتی را از ۹ سالگی در باشگاه شفق کرج زیر نظر استاد محمد کرمانی آغاز کرد.

کریمی می گوید: قبل از آن مدت کوتاهی ژیمناستیک کار می کردم، اما چون پدرم و عموهایم کشتی می گرفتند و علیرضا حیدری نیز در اوج دوران آمادگی خود به همان باشگاه شفق می آمد و در آنجا تمرین می کرد کم کم به سمت کشتی کشیده شدم و در نخستین حضورم در تیم ملی نوجوانان در سال ۲۰۱۰ مدال طلای آسیا را کسب کردم.

علیرضا کریمی کشتی گیر جوان ایرانی با وجود سن کم توانسته بارها در رقابت های مختلف ضمن افتخار آفرینی باعث به

علیرضا کریمی کشتی گیر جوان تیم ملی ایران، جوانی از تبار جوانان غیور ایران زمین، قهرمانی که نه تنها در عرصه رقابت های ورزشی بلکه در میدان اخلاق هم قهرمان شد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و با ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، مبارزه با استکبار و دفاع از مظلوم، فرزندان در ایران متولد شدند که به مرور رشد کرده و جوانانی انقلابی شدند، جوانانی که نسل سوم و چهارم انقلاب لقب گرفتند.

علیرضا کریمی به عنوان یکی از این جوانان به خوبی پیام بنیانگذار انقلاب، شهادت و رهبر معظم انقلاب اسلامی را در خصوص مبارزه با استکبار و دفاع از مظلوم را دریافت و در عرصه ورزش به آن عمل کرد.

علیرضا کریمی متولد ۱ فروردین ۱۳۷۳



شهید حسن غازی

شهید مهدی رضایی مجد

ورزشکاران ایرانی در هشت سال دفاع مقدس برای دفاع از مرز و بوم خود به جبهه‌های جنگ رفتند و برای سربلندی کشورمان از جان خود گذشتند. تاکنون بیش از پنج‌هزار شهید ورزشکار در سطح کشور شناسایی شده‌اند. این شهیدان از ۲۲ فدراسیون کشور شناسایی شده‌اند که فوتبال با ۱۳۰۰ شهید، دو و میدانی با ۹۶ شهید، هندبال با ۷۰ شهید، تکواندو با ۵۰۰ شهید، کشتی با بیش از ۴۵۰ شهید، بسکتبال با ۷۰ شهید، والیبال با ۲۰۰ شهید و فدراسیون ورزش‌های رزمی با ۱۰۰ شهید شماری از فدراسیون‌های شناسایی‌شده هستند که در ادامه به اختصار ۳ تن از این شهداء را معرفی می‌کنیم.

سردار شهید حسن غازی در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان متولد شد. او در سن ۱۶ سالگی به عنوان کاپیتان تیم فوتبال جوانان سپاهان بسیار خوش درخشید و در مسابقات قهرمانی کشور هم در منتخب اصفهان به عنوان ورزشکاری متدین، خوش‌فکر، خوش‌اخلاق، مستعد و باخلاق مطرح گردید که با شرایط فنی و تکنیکی بالایی که داشت در مسابقات قهرمانی آسیا به تیم ملی جوانان کشور دعوت شد. شهید غازی همچنین بازوبند کاپیتانی تیم سپاهان را هم به بازو بست. پس از پایان دوره دبیرستان در رشته پزشکی دانشگاه اصفهان پذیرفته و مشغول به تحصیل شد. با شروع جنگ تحمیلی شهید غازی عزم نبرد با متجاوزان یعنی را نمود. او ابتدا مسئولیت یکی از آتشبارهای توپخانه را عهده‌دار شد پس از آن به عنوان فرمانده گردان توپخانه منصوب شد. شهید غازی در بسیاری از عملیات‌ها در غرب و جنوب شرکت داشت، فرماندهی کل سپاه مسئولیت ایجاد اولین گروه توپخانه سپاه را به ایشان واگذار نمود و بعد از مدتی یگان‌های مستقل توپخانه در سپاه با همفکری ایشان به وجود آمدند. فوتبالیست با اخلاق سرانجام در عملیات خیبر به لقاء الله شتافت.

ورزش ایران از وجود مردان آسمانی بی‌بهره نبوده و شهید «مهدی رضایی مجد» کاپیتان اسبق تیم فوتبال جوانان ایران یکی از مردان آسمانی فوتبال ایران است که در زمان حضور خود در این تیم افتخارات زیادی را نصیب ورزش کشور کرد. او در سال‌های ۶۱ و ۶۲ به همراه تیم ملی جوانان به ترتیب در رقابت‌های جام پادشاهی بنگلادش و مسابقات قهرمانی جوانان آسیا در نپال شرکت داشت و موفق شد برای تیم ملی جوانان در مجموع ۱۵ گل به ثمر برساند. این شهید و الامقام در تیم‌های فوتبال نوجوانان آذر تهران، جوانان و بزرگسالان اکباتان و تهران جوان عضویت داشت و در سال ۶۵ به تمرینات تیم پرسپولیس دعوت شد ولی او با حضور در سپاهیان حضرت محمد (ص) برای چهارمین بار راهی جبهه‌های حق علیه باطل شد تا اینکه در دهم اسفند ماه ۱۳۶۵ در عملیات تکمیلی کربلای ۵ در منطقه عمومی شلمچه به فیض شهادت نائل شد.



شهید محمد قورچانی

استاد محمد قورچانی متولد محله خوزان خمینی‌شهر اصفهان در سال ۱۳۴۸ تکواندو را نزد استاد کره‌ای به نام جونگ که دان شش داشت فراگرفت. در سال ۱۳۵۰ پس از بازگشت از تهران بنیانگذار تکواندو در اصفهان شد و باشگاه ورزشی والعصر را در ملک‌شهر تأسیس کرد و در بین شاگردان به استاد (قورچانی) معروف شد. پس از درگیری در فلسطین و لبنان، وی به همراه شهید دکتر چمران و تعدادی از ورزشکاران باشگاه به عنوان یک چریک به لبنان رفت و به آموزش نیروهای فلسطینی و مبارزه با اسرائیل غاصب پرداخت و در آنجا به ابوفاضل معروف شد. پس از آغاز جنگ تحمیلی به همراه جمعی از ورزشکاران باشگاه (کمربند مشک‌ها) در جبهه حاضر شد و به همراه دکتر شهید چمران نقش بسزایی در سازماندهی اوضاع داشت. ایشان فرمانده گردان تیپ ۲۵ کربلا بود و سرانجام در سال ۶۱ و در عملیات فتح در جبهه شوش به درجه رفیع شهادت نائل آمد. از شاگردان بزرگ او می‌توان به مرحوم حاج‌زمان خلیلی، استاد عباس خسروی و دو تن از کارگردانان سینمای دفاع مقدس (ابوالقاسم طالبی و مجتبی راعی) و بسیاری از داوران و مربیان رده بالای فدراسیون تکواندو کشور اشاره کرد.

دفاع مقدس، عرصه قهرمانی شهدای ورزشکار



داغ ترین های تکنولوژی

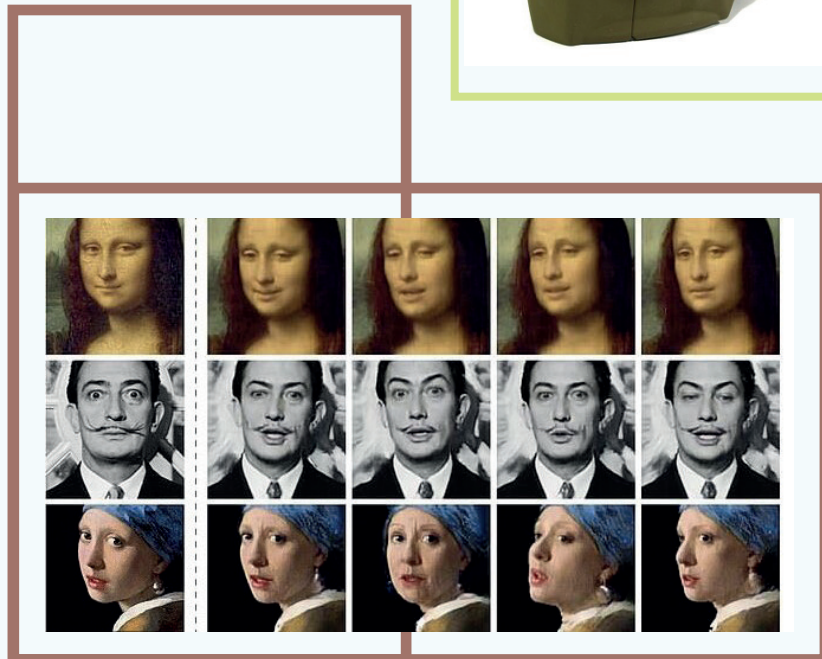
ساخت کلاه افکارخوان توسط پنتاگون برای سربازان

واحد تحقیقات دارپا پروژه‌های تعریف کرده که هدفش ساخت یک کلاه افکارخوان است تا سربازان بتوانند از طریق آن پرواز پهپادها را مدیریت کرده و ربات‌ها را به صورت از راه دور هدایت کنند. فاز اول طرح، خواندن فکر نفر اول و انتقال آن به مغز مصنوعی از طریق کلاه برای زوج ساختن فکر است. سیستم عصبی در ابزار جدید بر اساس فیلدهای نوری و مغناطیسی مانند نفر اول برنامه نویسی شده و به اصطلاح همگام سازی pair می‌شوند.



ساخت فیلم با استفاده از یک عکس

محققان مرکز هوش مصنوعی سامسونگ یک سیستم تولید کرده اند که می‌تواند حرکت واقع گرایانه را از یک تصویر واحد از یک فرد ایجاد کند. پایگاه لبنانی الاقتصاد در این باره نوشت: دانشمندان الگوریتمی نوشتند که تنها با داشتن یک عکس از چهره شما می‌تواند فیلم یا تصاویر دیگری از شما تهیه کند. برای بهسازی این الگوریتم، ۷۰۰۰ قطعه فیلم از شخصیت‌های مختلف از فیلم‌های یوتیوب به آن داده شد تا حرکتها و حالت‌های مختلف چهره از جمله چشم، لب‌ها، اندازه بینی و شکل آن را یاد بگیرد. پس از این مرحله با دادن یک عکس، الگوریتم توانست چهره را شناسایی کرده و حرکت‌ها را بر آن پیاده کند.



اولین ربات انسان نما نقاش در دنیا

یک ربات انسان نما مبتنی بر هوش مصنوعی با کمک بازوی رباتیک خود و دوربینی که در بدنش کار گذاشته شده آثار هنری زیبایی خلق کرده و قرار است که به زودی نمایشگاهش را در آکسفورد برپا کند. این ربات نقاش که آیدا نام دارد (اسم آن از روی نام آیدا لاولیس ریاضیدان انتخاب شده) اولین ربات واقع گرایانه ای است که با کمک چشمانش و قلمی که در دست دارد میتواند از مردم زنده پرتره بکشد.

نمایشگاه نقاشی آیدا با عنوان Unsecured Futures یا آیندگان بی ثبات که از چند روز دیگر در دانشگاه آکسفورد برگزار می‌شود مجموعه ای از آثار منتخب وی را پیش روی مخاطبان میگذارد که با استفاده از فرایندهای هوش مصنوعی و الگوریتم‌های توسعه یافته در همین دانشگاه ترسیم شده اند.



سال گذشته ۲۲ میلیون گوشی
هوشمند کمتر فروخته شد

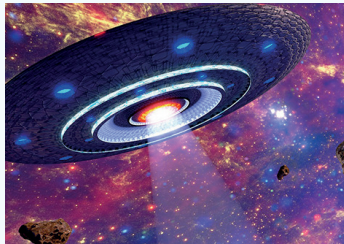
برای تعطیلات به ایستگاه فضایی بین المللی سفر کنید!

کرد که چنین رویکردی می تواند منابع و فرصت های درآمد جدید برای ناسا فراهم کند. با توجه به اینکه هزینه عملیاتی ISS برای ناسا سالیانه در حدود ۳ تا ۴ میلیارد دلار است، این رویکرد می تواند در تامین بخشی از هزینه های جاری به کمک آن ها بیاید. علاوه بر این ناسا می تواند بودجه مورد نیاز برای پروژه های جاه طلبانه پیش رو مثل ساخت ایستگاه مدارگرد قمری و برگرداندن دوباره انسان به ماه را از این طریق تامین کند.

ناسا قرار است تا سال آینده ایستگاه فضایی بین المللی (ISS) را برای سفر توریست ها و استفاده شرکت های تجاری در دسترس قرار دهد. نکته اینجاست که هزینه این سفر آنقدر بالاست که برای هر کسی امکان پذیر نخواهد بود. به عنوان مثال هزینه اقامت یک روزه یک فرد در ایستگاه با لحاظ کردن استفاده از سیستم های پشتیبان حیات و سرویس بهداشتی ۱۱۲۵۰ دلار و استفاده از ذخایر آذوقه، هوا و تجهیزات درمانی چیزی حدود ۲۲۵۰۰ دلار است! بنابراین با توجه به این هزینه ها، یک شب ماندن در ایستگاه فضایی حدود ۳۵۰۰۰ دلار برایتان آب می خورد. با توجه به رویکرد های مختلف ناسا به تجاری سازی ایستگاه فضایی این امر، گام مهمی در راستای تجاری سازی محسوب می شود. تابستان سال گذشته جیم برایدنشتاین سرپرست ناسا، با تشکیل کمیته ای بررسی طرح تجاری سازی ISS را آغاز و اعلام

مردم در سال گذشته ترجیح دادند گوشی های قدیمی خود را نگه داشته و به سمت گوشی های هوشمند جدید و گران نروند. با شروع ۲۰۱۹ بیش از ۶،۶ درصد کمتر از مدت مشابه ۲۰۱۸ گوشی راهی بازارهای جهان شد.

این درصد معادل ۲۱،۹ میلیون گوشی هوشمند است و به گفته کارشناسان نشان می دهد مردم به جای خرید گوشی گرانقیمت، ترجیح دادند همچنان از گوشی های قدیمی خود استفاده کنند.



معرفی بازی های ژانر دفاع مقدس

اصولا بازیهای رایانه ای و موبایلی یکی از بهترین بسترها برای گسترش فرهنگ دفاع مقدس است. در چند سال اخیر با توجه به ارتقا سطح فناوری ساخت بازی های رایانه ای و حمایت موسسه های فرهنگی از این محصولات، پیشرفت چشمگیری در این حوزه حاصل شده است. در این بخش قصد داریم تا به معرفی اجمالی برترین بازی های تولید شده در این حوزه پردازیم.

نبرد هور (اندروید)

بازی «نبرد هور»، یک بازی دو بعدی متشکل از دو گیم پلی متفاوت (مخفی کاری و اکشن) است که در محیط هور، نيزار و ابراهه های مناطق هورالعظیم و جزیره مجنون در جنوب غربی کشور، طراحی شده و کاربر در هر مرحله دو مأموریت شناسایی (به عنوان یک رزمنده غواص) و تخریب مواضع شناسایی شده (به عنوان رزمنده سوار بر قایق) را بر عهده دارد. بر این اساس در بازی «نبرد هور» مخاطب اطلاعاتی در مورد عملیات های بزرگی که غواص ها نقش مهمی در انجام آن ها داشته اند، شهدای غواص، مهارت ها، توانمندیها و مشکلات رزمندگان غواص نیز آشنا می شود. همچنین ضمن بهره مندی از جذابیت های بازی با عبور از موانع دشمن، شناسایی مواضع دشمن، درگیری و جنگ و تخریب مواضع دشمن، اطلاعات و آموزش های ویژه ای در خصوص غواصی، لوازم غواص، روش های شناسایی و ... به دست خواهد آورد.



مسیر عشق، زیر صفر

بازی ایرانی مسیرعشق، زیرصفر که توسط شرکت رسانا شکوه کویر در سبک ماجرای ساخته شده است، شاید موفق ترین بازی ساخته شده با موضوع دفاع مقدس محسوب می شود. از نکات جالب این بازی می توان به داستان آن اشاره کرد که بعد از دو بازی دیگری که به عملیات والفجر می پردازند، این بازی هم به عملیات والفجر پرداخته است. داستان بازی به عملیات والفجر مقدماتی می پردازد که طی آن یکی از برجسته ترین خلبانان نیروی هوایی یعنی عاصف محمودی با مجموعه ای از اسناد بسیار حیاتی به دام عراقیان می افتد و هر حرکت دیپلماتیکی شک برانگیز و پر خطر خواهد بود. راه نجات، اعزام یکی از برجسته ترین نیروهای تکاور به منطقه است. این نیرو رسول نام دارد، که باهوش و عاشق کارش است و بدون شک او بهترین گزینه ممکن است. اگر همه چیز بر اساس برنامه ریزی پیش رود و خیانتی اتفاق نیافتد او مأموریتش را به درستی به پایان خواهد رساند.



دلاوران (اندروید)

بازی دلاوران برای پلتفرم اندروید طراحی شده است. ژانر بازی، اکشن تیراندازی ایستگاهی تک نفره است. کاراکتر این بازی، یک تانک ام ۶۰ است که در موقعیت جغرافیایی خاصی، به صورت ثابت و بدون حرکت قرار گرفته است (فقط سلاح‌های آن قابل چرخش هستند). در تمام طول بازی، دشمنان هجوم می‌آورند و تانک با توپ و تیربار باید از مواضع خودی دفاع کند. در روند این بازی، دشمن هجوم آورده و یک تانک به عنوان آخرین بازمانده ایستادگی می‌کند تا سرزمین مادریش بدست دشمن نیفتد. بازی به نوعی واقع‌گرایانه و جدی است. گرافیک آن کاملاً طبیعی بوده و محیطی استراتژیکی از منطقه کرمانشاه را به تصویر می‌کشد. خلاصه داستان این بازی بدین‌گونه است که عملیاتی گسترده از سوی نیروهای دلاور وطن، در حال وقوع است، گردان حاج کاوه نیز برای پشتیبانی اعزام می‌شوند، اما زمانی که خود حاج کاوه و تعدادی از افرادش باقی مانده‌اند، مورد هجوم ناگهانی نیروهای دشمن قرار می‌گیرند. در اینجا حاج کاوه و افراد تانک معروفش به نام سپردار، تصمیم می‌گیرند برای جلوگیری از شکست عملیات و نفوذ دشمن، جانانه ایستادگی کنند. در بازی دلاوران کاراکتر تانک، به نوعی نمادی از خود ایران و خدمه آن نیز نمادی از گوناگونی اقوام با ملیتی یکسان است.

والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ از موفق‌ترین و مشهورترین عملیات‌های نظامی ایران در طول ۸ سال دفاع مقدس محسوب می‌شود که از موفقیت‌های این عملیات می‌توان به تصرف جزیره فاو در خاک عراق اشاره کرد. موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان ناشر و حامی مالی این بازی و با محوریت قرار دادن واقعیت‌های عملیات والفجر ۸ اقدام به طراحی و ساخت این بازی در سبک استراتژیک کرده است. در این بازی، این بازی در پنج مرحله اصلی و ۱۶ مرحله فرعی طراحی شده است. بازی‌باز در این بازی نقش رزمنده را دارد که از زاویه‌ی استراتژی از طریق ارتباط با فرمانده گردان تفحص و عملیات، مأموریت‌ها را کنترل می‌کند. مخاطب بازی می‌بایستی در این بازی با شناسایی مواضع دشمن در منطقه‌ی اروند کنار رزمنده‌ی خود را با غواصی به عراق رسانده و درگیری آغاز می‌شود.



گزارش شاهد از محوطه ی تئاتر شهر

تئاتر شهر پاتوق امن ارادل و کاسبان مواد

آن‌ها را در گذران اوقات تفریح خود حل کند.

*پاتوق‌های فرهنگی راهی برای تفریحات سالم و کم هزینه

علی که دانشجوی رشته عکاسی دانشگاه هنر است، و هر از چند گاهی به همراه دوستانش این محدوده را برای صحبت و دورهمی انتخاب می‌کند، حریم گذاری محوطه تئاتر شهر را از مسئولان ذیربط خواستار شد و اظهار داشت: با اجرای این برنامه و استفاده از راهکارهایی از جمله ارائه کارت دانشجویی، اخذ معرفی نامه و ... می‌توان امیدوار بود که شاهد حضور افراد لایابالی در این فضا نباشیم و فضایی یک دست و تقریباً متناسب با روحیه بچه‌های هنری را شاهد باشیم.

وی ادامه داد: راه اندازی پاتوق‌های فرهنگی در چند نقطه شهر و در نظر گرفتن برنامه‌های متنوع در آن می‌تواند کمک کند تا خیلی از افراد که توانایی مالی خوبی را برای حضور در کافی شاپ‌ها و یا سالن‌های تئاتر وسینما ندارند، از این فضاها استفاده کنند و به دور از هر گونه مزاحمتی، لحظاتی را در کنار دوستان خود سپری کنند.

وی برگزاری تئاترهای خیابانی و نمایشگاه عکس در محوطه تئاتر شهر و یا خانه هنرمندان را پیشنهادی جذاب برای پر کردن اوقات فراغت مردم عنوان کرد و گفت: با وجود گرانی تهیه بلیط تئاتر در سالن‌ها و مقدور نبودن تهیه آن برای خیلی از مردم و همچنین محدودیت سالن‌ها و انتظار گروه‌ها در نوبت اجرا؛ این اقدام می‌تواند هم به مردم در پر کردن اوقات فراغتشان و هم به گروه‌ها در دیده شدن کارشان در میان مردم کمک شایانی کند.

از طرفی هم با برگزاری نمایشگاه‌های عکس مستند اجتماعی در خیابان و در میان مردم هم می‌توان امیدوار بود که علاوه بر مخاطبان خاص هنر، مخاطبان عام را هم ردر بر گیرد و از طرفی هم نام و آوازه بیشتری را برای خالقان این آثار بوجود آورد.

سطحی با منحرفان جنسی و معتادان بودیم، اما آن طور که باید ریشه‌ای نبوده و دوباره روز از نو و روزی از نو؛ حضور چند برابری آن‌ها را در کنار خودمان شاهدیم.

وی می‌گوید: تئاتر شهر که از گذشته مکانی شناخته شده برای حضور بچه‌های هنری بود و پاتوقی برای گذران وقت و تفریح محسوب می‌شد این روزها به گونه‌ای در تسخیر ارادل و اوباش و فروشندگان مواد مخدر در آمده که نه تنها آسایش را از ما گرفته بلکه در مدت حضورمان در این جا با صحنه‌هایی ناهنجار و الفاظ رکیکی روبرو هستیم که خیلی خوشایند این منطقه نیست. از طرف دیگر حضور بی شمار دستفروشان که با حضور خود سبب آلودگی صوتی و اختلال در نظم منطقه هستند هم از نکاتی است که توجه بیش از پیش از مسئولان شهری و فرهنگی و هنری را می‌طلبد.

*خواب غفلت مدیران و تاختن ارادل در تئاتر شهر

به واقع مطالبه گری این روزهای خیلی از هنرمندان و دوستداران هنر در مجموعه تئاتر شهر و خیابان‌های اطراف آن، این است که محله، بیشتر از این که پاتوق اهالی هنر باشد مکانی شده برای فروش مواد مخدر و حضور ارادل و اوباش که عرصه را برای حضور آن‌ها تنگ کرده اند. برخوردهای مقطعی و یا بی‌اعتنایی به درخواست‌های مردم در تماس با ۱۳۷ (سامانه نظارت همگانی ناچا) نسبت به معضلات اجتماعی از جمله مواردی است که نیازمند توجه جدی را می‌طلبد و هنرمندان انتظار دارند تا با برخوردهای محکم و غیر قابل اغماض، مکان امنی را برای حضور آن‌ها فراهم کنند.

برنامه ریزی مدیران فرهنگی و هنری برای احداث مکانی جهت پاتوق هنرمندان و تدارک برنامه‌های متنوع و بازارچه‌های فروش محصولات هنری که کمکی است به حرکت چرخه اقتصاد هنر، می‌تواند روزهای خوبی را به هنرمندان نوید دهد و دغدغه

به واقع مطالبه گری این روزهای خیلی از هنرمندان و دوستداران هنر در مجموعه تئاتر شهر و خیابان‌های اطراف آن، این است که محله، بیشتر از این که پاتوق اهالی هنر باشد مکانی شده برای فروش مواد مخدر و حضور ارادل و اوباش که عرصه را برای حضور آن‌ها تنگ کرده اند. تئاتر شهر پاتوق امن ارادل و کاسبان مواد

اسم چهارراه ولیعصر (عج) و خیابان‌های اطراف آن که به میان می‌آید ناخودآگاه با مجموعه تئاتر شهر، تالار وحدت، سالن‌های تئاتر، گالری‌ها و کافه‌ها پیوند می‌خورد. محدوده‌ای که از سال‌ها قبل محل گذر تئاتری‌ها، دانشجویها و دوستداران و علاقه‌مندان هنر بوده و هست و کمتر هنرمندی است که خاطره‌ای از آن نداشته باشد.

این محدوده که در کنار اجرای تئاتر، کنسرت و برگزاری نمایشگاه‌های هنری تجسمی؛ پاتوقی است برای نشستن در محدوده تئاتر شهر، پارک دانشجو و کافه گردی در خیابان‌های اطراف آن این روزها پر شده از افرادی که نه تنها هیچ سختی با این محله ندارند بلکه با ایجاد مشکلاتی عرصه را بر حضور هنرمندان تنگ کرده اند به طوری که خیلی از آن‌ها عطای حضور در آن جا را به لقایش بخشیدند و جای دیگری را برای پاتوق انتخاب کردند. به سراغ جمعی از هنرمندانی تئاتری که در مجموعه تئاتر شهر رفت و آمد دارند، رفتیم تا نظرات آن‌ها را در این خصوص جویا شویم.

*آلودگی صوتی دستفروشان آسایش محله را گرفته است

آیدین که بازیگر تئاتر است و به واسطه کار خود و یا دیدن نمایش چند روزی در هفته را در این محوطه تردد دارد از دستفروشی‌ها و تکدی‌گری‌های مقابل تئاتر شهر و بوستان دانشجو گلایه کرد و گفت: نمی‌دانم مدیریت شهری و یا فرهنگی و هنری منطقه چرا نسبت به این مشکلات که روز به روز هم بر تعداد ناهنجاری‌های آن افزوده می‌شود، هیچ عکس‌العملی ندارد. بارها شده که شاهد برخوردهای

*گذر فرهنگی شهریار از طرح تا واقعیت

مرج‌های اضافی جلوگیری کند.

*فرهنگ تئاتر شهر زیر پای هموسکشوال‌ها و کاسبان مواد

دستی و فروش آثار فرهنگی و هنری استان‌ها و اختصاص غرفه‌هایی به هنرمندان تجسمی که موقعیت کمتری برای برپایی نمایشگاه‌های خود در گالری‌ها دارند، می‌تواند اقتصاد هنر را به جریان بیاورد و شاهد رفت و آمد هر چه بیشتر مردم و آشتی آن‌ها با جریان هنری باشیم.

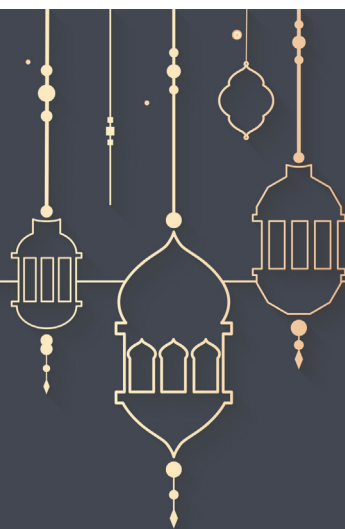
وی روبرو شدن با هموسکشوال‌ها و فروشندگان مواد مخدر را یکی از بزرگترین مشکلات این منطقه دانست که باید مدیران شهری فکری به حال آن کنند و خاطر نشان ساخت: کافی است تا چند دقیقه‌ای را در نیمکت‌های پارک دانشجو و محوطه تئاتر شهر بشینید و در این مدت با انواع فحش‌های رکیک و اصطلاحات بی ادبانه‌ای روبرو شوید که در شأن محیط فرهنگی، چون این جا نیست. حتی مورد دیگری که از آن غافل شده است ساختار معماری برای نمایشگاه‌های مختلفی استفاده کرد، ولی آنطور که باید مورد توجه مسئولان نبود و از آن بهره برداری نشده است.

نیلوفر از اختصاص شدن تالار وحدت و بازگشایی آن فقط برای برنامه‌های مشخصی، چون کنسرت و تئاتر گلابه کرد و گفت: نمی‌دانم چرا مجموعه‌ای که برای حضور هنرمندان و اهالی هنر طراحی شده است باید فقط در مناسبت‌های خاص میزبان مردم باشد و چرا نباید در طول سال و با برگزار نمایشگاه، تئاتر و موسیقی از هنرمندان و مردم استقبال کند. چطور می‌شود مسئولان از کمبود و یا نبود سالن‌های تئاتر و موسیقی ابراز ناراحتی می‌کنند، اما نسبت به مجموعه‌ای، چون تالار وحدت که در طول سال اغلب با تعطیلی روبرو، است غافل هستند و آن را در اختیار گروه‌ها قرار نمی‌دهند.

وی ادامه داد: احداث غرفه‌های صنایع

بدون شک احیای موقعیت فرهنگی این محدوده که علاوه بر دو مجموعه قدیمی تئاتر شهرو تالار وحدت؛ کلی سالن‌های تئاتر خصوصی، گالری و کافه‌ها را در برگرفته است می‌تواند بیش از هر چیز به جذابیت‌های فرهنگی آن کمک کند و حتی به عنوان مکانی برای جذب توریست و در آمدزایی بهتر هم معرفی شود. پیشنهاد سنگ فرش کردن و احداث گذر فرهنگی خیابان شهریار که قرار است کلی برنامه‌های هنری در آن در نظر گرفته شود، می‌تواند نوید بخش چهره‌ای متفاوت و هنری را به مردم این منطقه و هنرمندان نوید دهد. البته امیدواریم که این طرح هم مثل باقی طرح‌هایی که در این سال‌ها فقط اسمی از آن مانده فقط در حد طرح نباشد بلکه جنبه عملیاتی تری به خود بگیرد. ساماندهی دستفروشان از پیاده‌روها و جمع آوری آن‌ها در قالب بازارچه‌های فصلی هم می‌تواند از آلودگی صوتی و بصری و هرج و





یکی از خصوصیاتِی که در حقیقتِ انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روز به روز این پیشرفت را، این تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینها لوازم انتظار است.

(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

اللَّهُمَّ فَكِّ كُلَّ أُسِيرٍ

فدایا همه اسیران را آزاد کن



خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از
کاریکاتور نوشته و به آدرس الکتونیک‌کی زیر ارسال نمایند.

WWW.NAVIDESHAHED.COM

مافیدم ایشار

جشنواره سومین

شهریور ۹۸

3rd
SISAR
NATIONAL
FILM FESTIVAL

اداره کل امور هنری بنیاد شهید
و امور ایثارگران برگزار می کند

سومین جشنواره ملی فیلم ایثار

فیلمنامه و فیلم ۱۲۰ ثانیه ای با موضوع ایثار اجتماعی

www.navideshahed.com



شبکه ۱



تتبهه منتهه



انجمن سینمای جوانان ایران
IRANIAN YOUTH CINEMA SOCIETY



بنیاد

شهید

وامور ایثارگران

معاونت فرهنگی و آموزشی

اداره کل امور هنری